

# ماهنامه گفتارنیک اندیشه نیک کردارنیک زرتشتیان

شماره ۶-تابستان ۳۷۴۵ زرتشتی، ۱۳۸۶ خورشیدی، ۲۰۰۷ ترسای

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

در این شماره ۸



دانش آموختگان ممتاز ۲۰۰۷



برابری زن و مرد در ایران باستان



بشرفت یک ایرانی تبار



بازمانده های فرهنگی



تیم فوتبال زرتشتیان



روی پوشینه:

خانم ونوسی و خشوری

برنده جایزه و مقام یکم در آزمون سراسری

دیپلستانهای آمریکا از دیپلستان El Camino در لوس آنجلس



## سخن نخست

### یادداشت سردبیر

نام دانش آموختگان و شاگردان ممتاز ایرانی یکی پس از دیگری از بلندگوی سالن بزرگ دانشگاه به گوش می رسید: آرش... بابک... اشکان... اشک شادی در چشمان پدر و مادرها که مشتاقانه منتظر شنیدن اسم فرزندانشان بودند حلقه زده بود. برآستی این صحنه ها چه زیبا و غرور آفرین است. دوستی را می شناسم که چند سال بعد از دگرگونی های سال ۵۷ ایران به امریکا آمد و بعد از مدت زمانی که با دشواری توانست زندگی دوباره ای را برای خودش در غربت بسازد با دختر خانم ایرانی ازدواج کرد و خانواده ای برای خودش تشکیل داد. امروز فرزند او بود که از دانشگاه فارغ التحصیل می شد. فرزند او، این جوان ایرانی تبار برومند، که با گرفتن مدرک پزشکی و به عنوان یک دانشجوی ممتاز که به مقام ارشد و والای دکتری نایل می آمد. آفرین بر فرزندان که بدینگونه ادامه تحصیل می دهند و در رده های بالای دانشگاهی قرار میگیرند و باعث افتخار خانواده و جامعه شان می شوند. و آفرین بر پدر و مادرهایی که فرزندان اینگونه به جامعه تحویل می دهند.

این روزها اشک شادی در چشمان پدر و مادرهای پرغرور ایرانی را می توان بسیار دید. سرشماری های گوناگون نشان می دهد که تعداد دانشجویان ایرانی تباری که امسال از دبیرستانها وارد مراکز پژوهشی و علمی سرشناس امریکا شده اند بیش از سالهای پیش است. تعداد دانش آموختگان و همچنین فارغ التحصیلان ایرانی که در رشته های گوناگون دانشگاههای امریکا نیز بیش از پیش بوده است.

نسبت درصد ایرانیان ساکن در امریکا به سایر اقوام مهاجر خیلی کم است، ولی در مقایسه بیست و چند سالی که از مهاجرت ایرانیان به امریکا می گذرد شمارش ایرانیان با مقامهای بالا و دانش آموختگان ممتاز در مراکز پژوهشی و دانشگاهی امریکا به مراتب بیش از دیگر مهاجران بوده است. شاید به این سبب که فرهنگ و ادب ماریشه در فرهنگ و تمدن غنی ایران باستان دارد. تمدنی که مردمانش در ذکاوت و هوش و مملکت داری و پیشرفت و نوسازی شهر و کشور زبانزد بوده اند و همواره بر سایر ممالک برتری داشته اند.

تاریخ درخشان ایران اهورایی گویای کوشش مردمی آزاده و نمایانگر بزرگواری های مردمان آریایی نژاد است. کوششی که نه تنها برای نگهداری مرز و بوم خود انجام می گرفت بلکه خواست آنها برافراشتن بنیان نیکی و راستی بود. نیاکان ما درخشان ترین فرهنگ ها را پیش از همه آفریده بودند و ناتوانی و زبونی را گناه می شمردند. فر و شکوه ایران باستان که اکنون نیز مایه سرفرازی ما در پهنه گیتی است بر پایه گسترش نیکی و ارجمندی راستی و آبادانی جهان و نو کردن زندگانی مردمان بنیاد شده است.

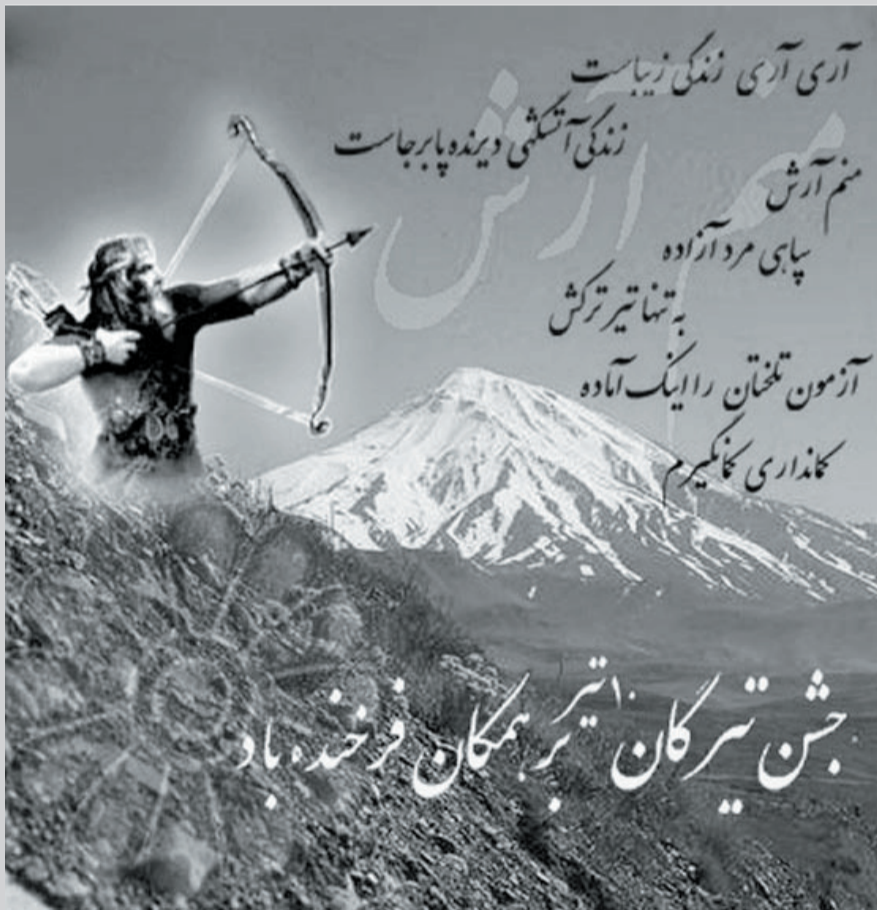
زرتشت نخستین و والاترین پیامبر آریایی، که آیین او بر پایه اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است، در سروده های ورجاوندش «گات ها» پرورش زبان و ادب و پرورش اندیشه را به همگان سفارش کرده است که یادگاری پرارزش و بی همتا از فرهنگ و تمدن دیرین است.

گزینش نامهای پارسی و ایرانی برای فرزندان، گویش به زبان شیرین فارسی در خانه و با دیگران، پاسداری از آیین و سنت های اصیل ایرانی، آشنایی با تاریخ پر افتخار نیاکان و شناساندن آن به دیگران قدمی در نگهداری و پایداری از فرهنگ و تاریخ کشور اهورایی ایران عزیز است.

دروود و آفرین می فرستیم به تمامی دلیران و فرهنگ دوستان و اندیشمندان ایرانی که در درازای تاریخ با کوشش فراوان فرهنگ ایران باستان را پاسداری کردند. درود می فرستیم به دلیرانی که در این راه جان باخته اند. درود به تمامی فرهیختگان و مهرورزان ایران اهورایی.

نام نیکشان جاودانی و یادشان گرامی باد.

این چنین باد که آرزو داریم.



### پروردگارا

بشود مانند کسانی باشیم که جهان را بسوی تازه گی و پیشرفت میبرد. ای خدواند جان و خرد و ای هستی بخش دانای بزرگ بشود که در پرتو راستی و پاکی از یاری تو برخوردار گردیم و زمانی که دستخوش بدگمانی و دو دلی هستیم اندیشه و قلب ما یکپارچه روی به تو آورد.

گات ها - هات ۳۰ بند ۹

از سرودهای اندیشه برانگیز و جاودانی زرتشت

### با سپاس فراوان از دهشمندگرامی و بویژه

### آقای پرفسور سروش سروشیان و شیرین خانم دکتر سهراب ساسانی و مهین خانم

که با گشاده دستی و پشتوانه ی مالی به این رسانه یاری داده اند و انگیزه سرپا ماندن آن را فراهم آورده اند، ارج می نهیم.

## ماهنامه زرتشتیان

- فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، علمی، ادبی و غیر سیاسی
- تابستان ۳۷۴۵ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۶ خورشیدی برابر با ۲۰۰۷ ترسایی

### • شماره ششم، تیراژ ۵ هزار نسخه

### • سردبیر: مهرداد ماندگاری

• زیر نظر:

### • گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

• با همکاری انجمن مدیران گردش ۱۵ مرکز:

• اردشیر باغخانیان، کاوه بهی زاده، گودرز

• بختیاری، سهراب خسرویانی، هوشنگ

• فرهمند، فرشید نمیرانیان

و با سپاس از انجمن مدیران گردش ۱۴:

• منیژه اردشیری، نسرین اردبیهشتی،

• آرمیتی یزدانی، هوشنگ فرهمند،

• اردشیر باغخانیان و شهریار افشاری

• ترتیب انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار

• رایانه: رامین شهریاری

• تایپ و صفحه بندی از: حسن عزیززاده

• فرتور ها (عکس ها): Oshihan.org

• چاپ: LA WEB PRESS

• همکاران گروه انتشار:

• شهروز اش، موبد بهرام دبو، آرمیتا

• دلال، دکتر نیاز کسروی، دکتر

• زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری،

• نسرین اردبیهشتی، شاه بهرام پولاد

• زندگی، مهزاد شهریاری، موبد کامران

### جمشیدی

• دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری

دادند: جمشید پیشدادی، کورش نیکنام، توران

(بهرامی) شهریاری، خداداد خدابخشی، منیژه

ملکی، دکتر برزونجمی، کورش محسنی، بانو

بختیاری (یزدانی)

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان

کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد.

• نوشتارها می باید با خط خوانا نوشته شده باشد.

• گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن

نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده

بازگردانده نمی شوند.

• نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها

رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز

زرتشتیان نمی باشد.

• با یاری و سپاس از سایت های:

CZC.org

Oshihan.org

Amordad.net

Kniknam.com

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست

می کند که نوشتار ها، فرتورها (عکس

ها) و پیشنهاد های خود را به نشانی

info@czcJournal.org برای مرکز

بفرستید. فرتورهای برگزیده با نام فرستنده

چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org

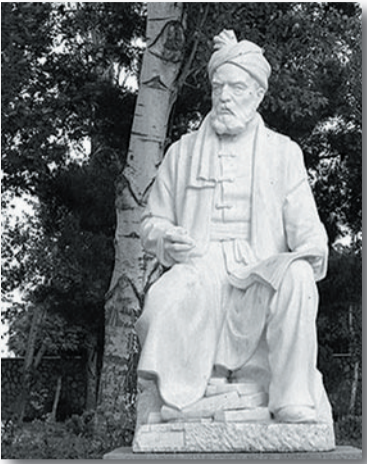
می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

را ببینید.

## جایگاه فردوسی در تاریخ فرهنگ مردم ایران همیشه جاودانه است

### کوروش نیکنام

نماینده زرتشتیان ایران



بیست و پنجم اردیبهشت ماه هر سال سالروز بزرگداشت مقام فردوسی است، هنرمند کم نظیری که در اوج تاخت و تازهای بیگانگان بر پیکر فرهنگ این کشور با تلاش و رنج سی ساله خود، کاخی بلند از شاهکار خود را بنا کرد تا ایرانی بدانند که عجم نیست، او اگر زبان بیگانه را نمی فهمد نشان نادانی نیست بلکه در گذشته خود یکی از آغازگران تاریخ تمدن بوده و با سرعتی شگرف و قابل تحسین چرخ فرهنگ، اخلاق و تمدن را به گردش درآورده است.

زنان ایرانی در زمانی که اقوام بادیه نشین دختران خود را زنده به گور می کردند از جایگاه ارزشمندی بهره مند بوده و به رتبه های بالای علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی دولتی دست می یافتند، کدبانو لقب داشته اند. گردآفرید، رودابه و سودابه از آنان بوده اند.

ایرانیان دین دار و با فرهنگ بوده و در برابر بیدادگری ایستادگی کرده و حماسه ها آفریده اند رستم، گیو و گودرز نمونه هایی از پهلوانان شاهنامه اند و رسم پهلوانی و گذشت و مردانگی از ارزش های نیک جامعه ایرانی بوده است. ایرانیان پیوسته به فر و شکوه خود بالیده و برای جان و روان همه هستی ارزش قایل بوده اند چنانچه سعدی گوید:

چو خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد  
میاژ موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

فردوسی در اوج بیداد زمان نسبت به باورها و گویش و فرهنگ ایرانی، شناسنامه افتخار آفرین و هویت فرهنگی برای ایرانیان تنظیم کرد، برگ زرینی که روشنایی و فروغ آن در ادبیات و عرفان بسیاری از کشورهای جهان به ویژه همسایگان ایران همچنان درخشان است.

زرتشتیان نیز همگام با ملت ایران به ارزش های فرهنگی این سرزمین افتخار کرده، می کنند و خواهند کرد و روز فردوسی را به فرهنگ دوستان جهان شادباش می گویند.

دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود  
بیا سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

## دانش آموختگان ممتاز ۲۰۰۷

جوانانی که با کوشش و تلاش برای خود، خانواده و جامعه موجب افتخار و سربلندی شدند.

- آقای خداداد کاویانی که به دریافت درجه دکترا از دانشگاه واشنگتن در رشته آموزش و پرورش نایل آمد.
- آقای شهریار بهمنی که به دریافت درجه دکترا در رشته حقوق از دانشگاه آریزونا نایل آمد.
- خانم شیرین باستانی که به دریافت مدرک فوق لیسانس در رشته آموزش و پرورش از دانشگاه نشنال در سندیاگو نایل آمد.
- خانم دنیا اهورایی که به دریافت ۲ مدرک لیسانس در رشته مدیریت و اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی با نمرات بسیار ممتاز نایل آمد.
- خانم پانته آفره مند که به دریافت مدرک لیسانس در رشته بیولوژی با نمرات ممتاز از دانشگاه کالیفرنیا در سندیاگو نایل آمد.
- خانم وندا فرهمند که به دریافت مدرک لیسانس بیولوژی و زبان انگلیسی از دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس با نمرات ممتاز نایل آمد.
- آقای پویان آذرشهری که به دریافت مدرک لیسانس در رشته کامپیوتر با نمرات ممتاز از دانشگاه کالیفرنیا در سندیاگو نایل آمد.
- آقای آرتین باغخانیان که به دریافت ۲ مدرک لیسانس در رشته مدیریت و علوم سیاسی با نمرات ممتاز از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لانگ بیچ نایل آمد.
- آقای بابک والتمن که به دریافت مدرک لیسانس در رشته شناسایی محیط زیست از دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا نایل آمد.

### جوانانی که به دانشگاه های برجسته آمریکا وارد شدند:

- خانم ونوس و خشوری که با نمرات ممتاز و کسب رتبه یکم و بالاترین نمرات در آزمون قهرمانی دبیرستانهای آمریکا مقام اول را کسب کرد. دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس (UCLA)
- خانم یاسمین ورجاوند، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC)
- خانم نگین شهروینی، دانشگاه واشنگتن غربی
- آقای آرش اشتری، دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس (UCLA)
- آقای پیام گشتاسی، دانشگاه کالیفرنیا در ریورساید (UC Riverside)
- آقای شایان ماندگاری، دانشگاه کالیفرنیا در ارواین (UC Irvine)
- آقای رایان نمیری کلانتری، دانشگاه کالیفرنیا در برکلی (UC Berkeley)

# ایران

از: جمشید پیشدادی

وطن، نام تو نامی دلنشین است  
از آنرو نام تو ایران زمین است  
به قول شاعر شیرین زبانی  
که این گفتار او از بهترین است

اگر فردوس بر روی زمین است  
همین است و همین است و همین است

ز نام نامی تو مهر خیزد  
زدامانت همواره مشک ریزد  
سراسر خاک تو زرخیز و سرسبز  
که را قدرت؟ که با حسنت ستیزد

زمین را گربه گیتی یک نگین است  
همین است و همین است و همین است

تو را خاک اهورائست نامت  
لبالب از می هستی جامت  
چنین فرموده زرتشت پیامبر  
که تو جاوید مانی تا قیامت

اگر یک نکته نغز و راستین است  
همین است و همین است و همین است

دماوندت که باشد بام البرز  
سرافراز و بلند و خوش برو برز  
ستم در سینه اش در بند و زنجیر  
نگهبانش یلان با خنجر و گرز

که را، پوری چو پور آبتین است  
همین است و همین است و همین است

رهائی بخش تو از ظلم ضحاک  
فریدون و یلی چون کاوه بی باک  
تو را سردار جانبازی چو آرش  
و یا رستم نماد مردم و خاک

جهان را گر حصار آهنین است  
همین است و همین است و همین است

تو را فرزند دانائی چو سیناست  
دگر فردوسی طوسی ی گویاست  
سپهدار تو شاهی همچو کورش  
که فرمانش بر آزادی دین هاست

اگر مامی گرانقدر و میهن است  
همین است و همین است و همین است

وطن، ایرا، بهشت آرزویم  
به مهر تو سرشته خوی و بویم  
تو راشید اصف من دوست دارم  
مرا این باورم باشد که گویم

اگر با خون من مهری عجین است  
همین است و همین است و همین است



گفت و شنودی با بانوی فرهیخته

# توران شهریاری (بهرامی)

## وکیل و شاعر



به کوشش: نسرين اردیبهشتی

مصور، مجله مهر و همچنین نشریه زرتشتیان، مجله هوست شعر گفتن را آغاز نمودم که هنوز هم ادامه دارد. اشعار من بیشتر وطنی و درباره فرهنگ ایران زمینی بویژه ایران باستان است. کتاب اول شعر من به نام «گوهر» که به نام مادرم هست که در سال ۱۳۴۵ منتشر گردید و در آمریکا هم تجدید چاپ شد. کتاب دیگری به اسم «نگار زن» می باشد که شامل ۴۷ تصویر لباس زن ایرانی است. برخی از این لباسها مستند به آثار موجود در موزه های معتبر دنیاست و تا حدی مصرف پوشاک زن ایرانی از ۵۰۰۰ سال پیش است. از من خواسته شده بود که روی هر یک از این تصاویر شعری بگویم. من هم برای هر یک از این تصاویر زیبا یک رباعی ساختم. این کتاب بسیار زیبا و نادر است. کتاب سوم من به اسم «دیوان توران» در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسید. کتاب جدیدی هم که با سی دی همراه است و در شرف چاپ شدن است که امیدوارم بزودی در اختیار همگان قرار گیرد. سبک شعر من کلاسیک است و به اقسام مختلف شعر گفته ام. یکی از افتخارات من این است که شعر «سروش حماسه ها» که در باره فردوسی است در سال ۲۰۰۰ در ایتالیا در کنار شعری از ملک الشعرا بهار و پروین اعتصامی و فریدون مشیری برنده شده است.

**پوشش:** خانم شهریاری بهرامی گرامی آخرین سئوالم این است که چطور توانسته اید با آنکه یک همسر و یک مادر و یک مادر بزرگ هستید، شغل بسیار حساس و مهمی چون وکالت را هم به عهده بگیرید و در عین حال در کنار این دو وظیفه مهم بتوانید یک شاعره برجسته هم باشید؟ راز موفقیت شما در چیست؟

**پاسخ:** در جواب باید بگویم که خواستن، توانستن است. با علاقه و عشقی که به کار دارم و موهبت خدادادی شعر گفتن و بیان احساسم از طریق شعر به من این نیرو را داده است که بتوانم بالانسی در زندگی ایجاد کنم. ولی بدون تردید شما اگر اراده به کاری کردید و خواستید می توانید با وجود سختی ها آن را به انجام برسانید. خواستن، توانستن است.

**نسرين اردیبهشتی:** خانم توران شهریاری بهرامی از وقتی که به من دادید بسیار سپاسگزارم. شما نه تنها باعث افتخار جامعه زرتشتی، بلکه باعث افتخار همه زنان ایرانی هستید. برای شما و خانواده تان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

هر فرد زرتشتی می تواند تمام اموال خود را مورد وصیت قرار دهد در حالیکه اکثریت ایرانیان مجاز نیستند بیش از ۱/۳ اموال خود را مورد وصیت قرار دهند. یکی دیگر از نکات مثبت این آیین نامه این است که در صورت درگذشت پدر و مادر، نوه از پدر بزرگ و مادر بزرگ ارث می برند. این کار به نظر من بسیار انسانی و اخلاقی است زیرا نوه خردسالی که پدر و مادر خود را از دست داده است بیشتر از عمو و عمه و یا خاله و دایی خود سزاوار مزایای مالی خانواده است.

**پوشش:** خانم شهریاری اجازه بدهید در مورد هنر شعر گفتن شما سئوالی بکنم. شعر گفتن را از چه سنی شروع کردید و تا به حال چند کتاب به چاپ رسانده اید؟

**پاسخ:** من از دوران دبستان سرودن شعر را آغاز کردم ولی خودم آن را جدی نمی گرفتم تا اینکه در سال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به تهران آمدم و در دبیرستان شاهدخت مشغول تحصیل در رشته ادبی شدم. زمانی که از طرف دانشگاه تهران و مدارس تهران قرار بود برای تبریک ملی شدن نفت به حضور شادروان دکتر مصدق برویم. از طرف مدرسه از من خواسته شد که شعری به مناسبت اوضاع بگویم. من هم کمتر از ۱۰ روز شعری در باره ملی شدن نفت سرودم که بوسیله معلم خط مدرسه خوش نویسی و در قاب خاتم کاری جای گرفت و به شادروان دکتر مصدق در خانه ایشان تقدیم گردید و من عکسی از آن روز با امضاء دکتر مصدق دارم که یکی از بزرگترین خاطرات و افتخارات زندگی من است.

بعد از آن زمان بود که شعر گفتن را جدی گرفتم و با نشریاتی چون ترقی، اطلاعات هفتگی، تهران

عضو کمیسیون حقوق بشر و کانون وکلا می باشد به این نتیجه رسیدم که اصلاح قانون به معنای این نیست که خون بهای مرد اقلیت مانند مرد مسلمان و خون بهای زن اقلیت همانند زن مسلمان است بلکه این اختیار را قاضی دارد که به زن یا مرد مقتول اقلیت از ۱/۱۲ تا ۱۲/۱۲ خون بها تعیین نماید.

مورد دیگر اینکه اگر از یک خانواده زرتشتی (یا اقلیت های دیگر) یک نفر به دین اسلام در آید همه ارث خانواده به آن شخص نومسلمان تعلق می گیرد. **پوشش:** خانم شهریاری آیا شما مورد قانونی را سراغ دارید که اقلیت های زرتشتی از تاثیر آیین و رسوم زرتشتی در مورد حقوقشان بهره گیرند؟

**پاسخ:** در آیین نامه زرتشتیان که در سال ۱۳۱۲ به همت ارباب کیخسرو شاهرخ که نماینده جامعه زرتشتیان در مجلس شورای ملی آن زمان بود و با نظر مشورتی چند موبد زرتشتی و حقوقدان مسلمان زن زرتشتی از مزایای چشمگیری برخوردار است از آن جمله ۱/۶ کل ثروت همسر خود ارث میبرد. همچنین زن زرتشتی پس از درگذشت همسر سمت ولایت قهری فرزند یا فرزندان خود را دارد. البته تا سال ۱۳۴۸ که قانون حمایت خانواده به تصویب مجلس رسید و تمام اتباع ایران را شامل گردید طلاق در بین زرتشتیان و نیز اقلیت مسیحی و یهودی بسیار نادر و دشوار بود. ولی پس از تصویب قانون حمایت خانواده که اجازه طلاق در اختیار قاضی دادگاه حمایت خانواده قرار گرفت طلاق در بین اقلیت ها از جمله زرتشتیان رو به افزایش گذاشت. آیین نامه سال ۱۳۱۲ بارها از طرف حقوقدانان مورد بازنگری قرار گرفته است. قبل از انقلاب فرنگیس خانم شاهرخ (یگانگی) با مشارکت ۷ نفر حقوقدان و وکیل زرتشتی آیین نامه ای را که پدرش تدوین نموده بود مورد بررسی مجدد قرار داد که خود اینجانب هم یکی از آن ۷ نفر بودم. این افراد آقایان موبد رستم شهزادی، پرویز کیامنش، هرمز هرمزدیاری، جمشید خسرویانی و شادروان بهرام انوشیروانی بودند.

با توجه به وقوع انقلاب این کار هم در بوته اجمال ماند. چند سال قبل آقای دکتر خسرو دبستانی اصلاح آیین نامه زرتشتیان را با همکاری و صلاح دید عده ای از وکلا و حقوقدانان زرتشتی انجام داد ولی در زمان نامبرده این کار عملی نشد و آیین نامه به تصویب نرسید. آقای کورش نیکنام نماینده فعلی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی با مشورت و نظرخواهی عده ای از زرتشتیان که خود اینجانب نیز یکی از آنان بودم، این کار را تا حدودی به انجام رساند و گمان می کنم که در آینده این آیین نامه را به تصویب قوه مقننه برساند. **پوشش:** آیا شما می توانید به یکی از مزایای آیین نامه زرتشتیان اشاره کنید؟

**پاسخ:** از مزایایی که در آیین نامه زرتشتیان برای هر فرد زرتشتی پیش بینی شده است این است که

باخبر شدیم که بانوی نمونه توران شهریاری (بهرامی) برای سفری به آمریکا آمده اند. فرصتی دست داد تا با ایشان گفتگویی داشته باشیم. **نسرين اردیبهشتی:** باسپاس از اینکه درخواست ماهنامه زرتشتیان را برای گفت و شنود پذیرفته اید خواهشمندم کمی در باره خودتان بگویید.

**توران شهریاری:** من در یک خانواده زرتشتی در شهر کرمان متولد شدم که پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی برای ادامه تحصیل به تهران آمدم. در سال ۱۳۳۴ با مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ پروانه وکالت دادگستری گردیدم و سپس توانستم فوق لیسانس خود را از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته حقوق جزا دریافت کنم. سالها کارشناس ارشد در وزارت کار در رشته حقوق کار بودم. یکی از بنیانگذاران «اتحادیه زنان حقوقدان» وابسته به اتحادیه بین المللی زنان حقوقدان در تهران هستم. و همچنین عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا با مشارکت خانم شیرین عبادی می باشم.

قبل از انقلاب نایب رئیس خانم فرنگیس یگانگی در سازمان زنان زرتشتی و سه دوره قبل از انقلاب و یک دوره بعد از انقلاب عضو انجمن زرتشتیان تهران بودم. همیشه در جشن ها و برنامه های ملی و مذهبی سخنرانی کرده ام و شعر خوانده ام و تا کنون شاید صدها سخنرانی در جامعه زرتشتی و غیر زرتشتی در ایران و خارج از ایران انجام داده ام. در سال ۱۳۳۲ با همسر بهرام بهرامی ازدواج کردم که حاصل آن ۳ دخترم به نام های هما، میترا و ویداست و صاحب ۴ نوه می باشم. **پوشش:** شما یکی از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری ایران هستید. خواهشمندم در این مورد توضیح بدهید.

**پاسخ:** بله من در اسفند ۱۳۸۴ به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای ایران از میان ۷۵ نفری که برای این سمت کاندید بودند جزو ۱۸ نفر این گروه انتخاب شدم. کانون وکلا در سال ۱۳۳۱ در زمان شادروان دکتر محمد مصدق مستقل شد که قبل از آن به قوه قضائیه وابسته بود. مدت ۵۵ سال از استقلال این کانون می گذشت و تا آن زمان هیچکدام از اقلیت های مذهبی به عضویت هیئت مدیره کانون در نیامده بودند. من سومین زن و اولین فرد از اقلیت های مذهبی بودم که برای اولین بار به عضویت هیئت مدیره این کانون انتخاب شدم.

**پوشش:** خواهش می کنم در باره ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی و دیه برائیمان توضیح دهید.

**پاسخ:** برابر با قانون دیه که اکنون در ایران هست در صورت وقوع جرم و به قتل رسیدن مرد یا زن مسلمان دیه مرد مسلمان ۲ برابر زن مسلمان است که بابت خون بها (خون بهای مقتول) به خانواده تعلق می گیرد. پس از اصلاح قانون دیه در سالهای اخیر با چند نفر از صاحب نظران و حقوقدانان که

## رستوران حاتم

در مکانی گرم و خانوادگی  
با کیفیت عالی  
با خوراک های خوشمزه ایرانی

سفارشات غذا برای میهمانی ها و مجالس شما  
با بهترین قیمت

### HATAM RESTAURANT

1112 N. BROOKHURST #6  
ANAHEIM, CA 92801  
(714) 991-6262



## برابری زن و مرد در ایران باستان

از بانو توران شهریاری (بهرامی)

البته پس از سقوط هخامنشیان به دست اسکندر مقدونی و تسلط بیش از ۷۰ سال جانشینان او به نام سلوکیدها بر ایران تا حد زیادی فرهنگ ایران با فرهنگ یونان آمیخته گردید و هلنیسم جای خود را در آن باز کرد. باید دانست که در یونان زنان با مردان برابر نبودند. لذا این نگرش تا حدی در ایران هم اثر خود را بخشید. ارسطو که از بزرگترین فلاسفه یونانست و استاد اسکندر نیز بود چنین می گوید:

«خدایا ترا شکر می کنم که مرا مرد آفریدی و نه زن و مرا آزاد آفریدی نه برده و مرا در یونان آفریدی نه در جای دیگر.»

وقتی طرز فکر بزرگترین فیلسوف یونان چنین باشد پر واضح است که مردان عادی در باره زن چگونه داوری می کردند و می اندیشیدند. و نیز پیداست که وضع زن یونانی در خانواده چگونه بوده است. پس از سپری شدن دوران سلوکیدها و آغاز دوران اشکانیان زنان تا حدودی برابری و اعتلای مقام خود را باز یافتند ولی البته به موقعیت زمان هخامنشیان نرسیدند. در این دوران از زنی بنام «آرتادخت» که وزیر خزانه داری (مشابه وزیر دارایی) بود نام برده می شود. همسر فرهاد چهارم و مادر فرهاد پنجم ملکه موزاست که در زمان او حضرت مسیح بدنیا آمد. تصویر این زن قدرتمند و با نفوذ در کنار همسرش و پسرش بر روی مسکوکات حک شده است و این نشان می دهد که او ملکه با قدرتی بود و در همسر و پسرش و نیز در کار مملکت داری آنان اثر داشته است. از زنان نامدار زمان ساسانی می توان به مادر شاپور ذولکثاف که سالهای زیادی به همراه موبد موبدان پس از درگذشت همسرش به اداره امور می پرداخت اشاره کرد.

هم چنین پوراندخت و آذرمیدخت دختران خسرو پرویز مدتی بر ایران سلطنت کردند اما به علت وضع نابسامان داخلی با وجود لیاقت و کفایت نتوانستند کاری از پیش ببرند. در این دوران حتی زنان به مقام قضاوت نیز میرسیدند. در شاهنامه فردوسی از زنان بسیار یاد می شود که همگی آنان جز سوادبه زانی دانا و آگاه و چاره گر بودند. در اینجا فهرست وار بنام آنان اشاره می شود:

آغازگر این نام ها ارنواز و شهرناز خواهران جمشید جم هستند. سپس نام فرانک مادر فریدون می باشد. بعداز او نام سیندخت همسر مهرباب کابلی و مادر رودابه و مادر بزرگ رستم است که زنی آگاه و مدبر بود و در همسری زال و رودابه (پدر و مادر رستم) نقش بزرگی داشت. سپس با نام تهمنه همسر رستم و مادر سهراب و همچنین با نام گردآفرید سهراب بر می خوریم. سپس سوادبه همسر کیکاووس و نامادری سیاوش است که داستان او را همه می دانیم. همچنین بانوگشسب دختر دلاور رستم و جریره دختر پیران ویسه و همسر سیاوش و مادر فرود می باشد. سپس فرنگیس همسر سیاوش و مادر کیخسرو و دختر افراسیاب از زنان سرشناس شاهنامه هستند. منیژه دختر دیگر افراسیاب که عشق او و بیژن معروفست. همچنین با نامهای کتایون مادر اسفندیار و همای چهرزاد و روشنک و بسیاری از نامهای دیگر زنان آشنا

در ایران باستان بویژه در زمان هخامنشیان زن و مرد از هر حیث با هم برابر بودند و تبعیض و نابرابری در میان نبود. همانطور که می دانیم هخامنشیان زرتشتی بودند بنابراین این برابری بین زن و مرد را در این زمان باید در قوانین دین زرتشت جستجو کرد. گاتها که گفته های زرتشت است به بسیاری از موازین حقوق بشر اشاره کرده است که از آن جمله میتوان از برابری زن و مرد و برابری همه انسانها صرف نظر از نژاد و رنگ و زبان و ملیت و غیره نام برد.

چون سخن در باره برابری زن و مرد در ایران باستان می باشد لذا در این باره بیشتر بررسی و کنکاش مینماییم. در آیین زرتشت «اهورامزدا» که آفریدگار دانای جهانست شش فروزه و ویژگی دارد که آن را به نام شش امشاسپندان می شناسیم. از این شش امشاسپند، سه امشاسپند روحیه مردانه و سه امشاسپند دیگر روحیه زنانه دارند. این شش امشاسپند (بهمن و اردیبهشت و شهریور و اسفند و خرداد و مرداد) نام شش ماه از ۱۲ ماه کنونی ایرانست.

۱ - وهومن یا بهمن که به معنی خرد مقدس و منش نیک می باشد. (اندیشه نیک)

۲ - آشا و هیشتا یا اردیبهشت که به معنی بهترین راستی و نظم و قانون و هنجاری که جهان هستی را سامان می بخشد و اداره می نماید.

۳ - خَشْتْرِیانه یا شهریور که به معنی شهریاری اهورایی یا توانایی و قدرت همراه با بهترین نیکی است. (یعنی هر کس قدرت و توانایی خود را باید در راه خیر و نیکی بکار برد).

۴ - سِپنتا آرمیتا که امروز آن را به نام اسفند می شناسیم و به معنی مهر و عشق و از خود گذشتگی و فداکاری است که نمونه بارز آن زمین و مادر است.

۵ - تَوْرَوَات یا خورداد که به معنی کمال و رسایی انسانیت یعنی انسان خداگونه است.

۶ - اَمْرَتَات یا امرداد، که امروز بنادرست آن را مُرداد میخوانیم، به معنی جاودانگی و فناپذیرست. در صورتیکه مرداد به معنی ناپایدار و فناپذیر است.

مقصود اینکه اگر انسان بتواند حتی قطره ای از اقیانوس بیکران هستی اهورایی را در خود پروراند به مرحله کمال و رسایی می رسد و جاودانه و فناپذیر خواهد شد و برای همیشه جزیی بسیار کوچک از نیروی عظیم و بیکران آفرینش خواهد بود. چنانچه دیدیم در بالاترین حد آفرینش و هستی که اهورامزداست سه ویژگی و فروزه اش با نماد مذکر و سه ویژگی و فروزه دیگر با نماد مؤنث می باشد. به زبان دیگر برابری زن و مرد در بالاترین و برترین حد آفرینش و هستی است. کریستن سن ایران شناس معروف یکی از مهمترین علل کامیابی و پیروزی و جهان بینی و جهانداری هخامنشیان را در برابری زن و مرد و استحکام بنیان خانواده و توجه والدین به فرزندان می داند.

از جمله دغدوویه مادر زرتشت و پوروچیستا دختر کوچک زرتشت و ماندانا مادر کورش و آتوسا دختر کورش و همسر داریوش و پوروشات مویانته آ و رکسانا و آرتمتیس و غیره که از زنان معروف زمان هخامنشیان هستند.



بانو توران شهریاری (بهرامی) در لباس سنتی زرتشتی

حقوق و مزایای این کارگران درج گردیده است و نشان می دهد که بعضی از کارگران متخصص و هنرمند زن چند برابر کارگر مردان ساده حقوق و مزایا دریافت می کردند. حتی از مزایای دیگر مانند مرخصی حاملگی و زایمان نیز با دریافت حقوق استفاده می کردند که برابر قوانین مترقی کار امروز است. این الواح نشان می دهد که زن در آن زمان خانه نشین و منزوی نبوده و در بسیاری از کارهای کشور مشارکت مستقیم و موثر داشته است.

میشویم. نباید فکر کرد که زنان در ایران باستان فقط در کارهای بزرگ کشوری و پادشاهی شرکت داشتند. زنان در کارهای کشاورزی و سازندگی دوش بدوش مردان بودند. هنوز هم در پاره ای از شهرهای ایران زنان در کارهای کشاورزی و معیشتی دوش بدوش مردان کار می کنند. مثلاً در شالیزارها و چایکاری های شمال نقش موثر و مفید زنان کشاورز کاملاً هویدا است. حتی گاهی مشارکت زنان در چنین کارها از مردان هم بیشتر است. در خیلی از جاهای ایران هنوز این همکاری به چشم می خورد.

در سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ الواح زیادی در تخت جمشید پیدا شد که نقش موثر زنان را در ساختمان تخت جمشید نشان می دهد. این الواح که متجاوز از سی هزار بود مقداری به موزه ایران باستان و مقداری بیشتر آن به آمریکا انتقال یافت که هنوز پس داده نشده است. پس از اینکه این الواح خوانده شد ثابت گردید که در ساختمان تخت جمشید عده ای از زنان متخصص و هنرمند از سراسر ایران و جاهای دیگر شرکت داشته اند. در آن لوحه ها میزان

نگه کن به تاریخ پیشین  
به آینه روشن باستان  
به بگذشته ها، رفته ها، دورها  
بسر چشمه نورها  
زن و مرد باهم برابر بُدند  
زنان کارداناان کشور بُدند  
بی کار را زن گرفتی بدست  
که در آن نبودیش هرگز شکست  
در آیین زرتشت هر مرد و زن  
بود شانش از دانش خویشین  
نه کمتر بود دختری از پسر  
گرامی تر آنکو خردمندتر

### حماسه آرش

یکی از بزرگترین گزارش های میهنی ایران و نشانی از بزرگی روان و سرشت ایرانی است



# پاک کردن زبان پارسی

## دکتر زرتشت آزادی

آنها واژه های بیگانه بکار برید؟

۴ - زبان پارسی و واژه های پارسی آموختنش آسانتر از عربی است. آوردن واژه های عربی آموختن پارسی را دشوار می کند و کسان بسیاری را از آموختن این زبان می گریزند. آیا یاد دادن داوری آسانتر است یا یاد دادن قضاوت یا قضاوت، یا قزوات یا قداوت؟ آیا یاد دادن نیکو کاری آسانتر است یا یاد دادن امور خیریه یا امور خیریه؟ آیا یاد دادن بسان آسانتر است یا یاد دادن مثال یا مسال یا مصال؟ اگر یاد دادن واژه های عربی دشوارتر است چرا باید آنها را در زبانمان نگاه بداریم؟

۵ - عربی دوستانه تنها واژه های عربی در زبان پارسی بکار میرند بلکه با آن واژه ها برابر دستور زبان عربی رفتار می کنند چنانکه برابر دستور زبان عربی جمع می بندند یا واژه های دیگر از آن می سازند. ما در پارسی واژه ی «دانش» داریم. عربی دوستان بجای آن واژه ی عربی «علم» بکار میرند و جمعش را علوم می گویند و واژه هایی مانند عالم، معلوم، علما، معلومات، معلم، معلمین، تعلیم، تعلم را همه برابر دستور زبان عربی از آن می سازند. اینگونه کارها دستور زبان پارسی را دست کم می گیرد و خوار می دارد. افزون بر آن زبان پارسی را به عربی وابسته می کند و یادگرفتنش را دشوار می سازد. زیرا برای آموختن یک زبان (پارسی) باید واژه ها و دستور دوتا زبان را آموخت. این دشواری بسیاری از کسان را از یاد گرفتن پارسی می گریزند به ویژه کودکان ایرانی تبار برونمرز را که اکنون شمارشان نزدیک به یک میلیون است و اگر پارسی بیاموزند دوستان بسیار خوبی برای سرزمین گرامیمان ایران خواهند بود.

اینک به برخی از خرده گیریها که در باره ی پاک سازی زبان شده است پاسخ می دهم. پرسش - همه ی زبانهای جهان از زبانهای دیگر واژه گرفته اند. چرا واژه های عربی در پارسی را در همان رده نمی شمارید؟

پاسخ - زبانها از زبانهای دیگر هنگامی واژه گرفته اند که خود آن واژه ها را نداشته اند. ما واژه داریم ولی عربی دوستان آنها را نادیده می گیرند و واژه ی عربی بکار می برند. من برخی از نمونه ها را در همین نوشتار داده ام. از این گذشته زبانها هرگاه از زبان دیگر واژه گرفته اند آن واژه ها را خودی کرده و برابر دستور زبان خود بکار می برند. عربی دوستان واژه های عربی را خودی نمی کنند و آنها را برابر دستور زبان عربی بکار می برند. عربی دوستان می گویند موسا و عیسا و یحیا را باید موسی، عیسی، و یحیی بنویسید زیرا عربان چنین می کنند. پیشتر نمونه دادم که با واژه های دیگر نیز برابر دستور زبان عربی رفتار می کنند.

پرسش - آیا گرفتن واژه از عربی زبان پارسی را غنی تر نکرده است؟

پاسخ - داشتن واژه های گوناگون برای یک چیز زبان را پربار یا غنی نمی کند بلکه یادگرفتنش را دشوار می سازد. به ویژه اگر واژه ها برابر دستور زبان بیگانه بکار رود.

پرسش - واژه های عربی که به پارسی آورده شده اند شهروند (تبعه ی) زبان پارسی شده اند مانند اینکه کسی از کشور دیگری تبعه ی ایران شود. این چه بدی دارد؟

پاسخ - واژه های عربی در زبان پارسی شهروند نشده اند زیرا برابر دستور زبان عربی بکار برده می شوند. کسی که شهروند کشوری می شود اگر دشواری فراهم کند او را بیرون می کنند. چون واژه های عربی در پارسی هم دشواری های گوناگون، به ویژه در آموزش زبان پارسی، فراهم می کنند باید بیرون ریخته شوند.

پرسش - با بیرون ریختن واژه های عربی آیا ادبیات ما زبان نمی بیند و شعر های سعدی و حافظ فراموش نمیشوند؟

پاسخ - چاه های سعدی و حافظ و دیگر چاه گویان به زبان پارسی بیشتر است تا عربی. کسی که می خواهد معنی عربی ها را دریابد باید واژه نامه ی عربی - پارسی بخرد و بکار برد یا اینکه زبان عربی را جداگانه بیاموزد. اینکه ما به سعدی و حافظ و دیگران بچسبیم و آموزش زبان پارسی را برای همیشه دشوار نگاه داریم شایا نیست. درسد کوچکی از پارسی زبانان هستند که سعدی و حافظ را می خوانند. از اینها گذشته، عربی دوستان از بس واژه های عربی بکار برده اند بسیاری از واژه های پاک پارسی که سعدی و حافظ هم بکار برده اند فراموش شده است. امروز معنی عصا را که عربی است همه می دانند ولی معنی دستوار و پایاب که هر دو همان معنی را دارند کمتر کسی می داند. ما باید نگران واژه های پارسی باشیم که شوربختانه بسیاری از آنها فراموش شده اند.

پرسش - افزون بر واژه های عربی در زبان پارسی واژه های بیگانه ی دیگری مانند ترکی و مغولی و روسی هم هست. چرا از آنها خرده نمی گیرید؟

پاسخ - شمار آن واژه ها بسیار کم است. از آن گذشته آنها را برابر دستور زبان پارسی بکار می بریم. از این رو در زبان پارسی دشواری فراهم نکرده اند.

من در اینجا خواهشگری ۲ می کنم که خوانندگان گرامی برای پاک کردن و آراستن زبان پارسی بایا (وظیفه ی میهنی خود را دریابند و کارهایی بکنند. کارهایی که شما می توانید بکنید اینها است:

- در هر هفته چند تا از واژه هایی را که به عربی می گویند به پارسی برگردانید. واژه ها را از اینها بیاغازید:

درود، خدانگهدار، بامداد خوش، روز خوش، شب خوش، تندرست باشید، شاد شدم، افسرده ام (متاسفم)، بیمارم، رهسپار ایرانم، میهن، کشور، .... - هرگاه چیزی می نویسید یکی دوبار آن را بخوانید و واژه های عربی را به پارسی برگردانید. جمع ها را با «ها» و «آن» بکنید و تنوین بکار نبرید - از خویشان و دوستان بخواهید که از بکار بردن عربی در گفتار و نوشتار پارسی بپرهیزند. هرگاه می توانید از رسانه ها بخواهید که از بکار بردن عربی در گفتار و نوشتار پارسی بپرهیزند. اگر در سازمانهای پارسی زبان هموندید در آنجا ها نیز چنین کنید.

- هرگاه ایران بدست ایران دوستان افتاد و پرداختن به فرهنگ و ادب ایرانی ارج یافت، اگر زنده اید، از دولت بخواهید که سازمانهای شایسته برهنه تا بر پالایش زبان و فرهنگ کار کنند. هر تن و هر گروه باید اینگونه کارهای میهنی را از خود بیاغازد. اگر بنشینید تا دیگران بیاغازند و سپس با آنها همکاری کنید، چندان کاری پیش نخواهد رفت.

کسی که ایران را دوست دارد فرهنگ ایران را هم دوست دارد. کسی که فرهنگ ایران را دوست دارد زبان فرهنگ ایرانی یعنی زبان پارسی را هم دوست دارد. و کسی که چنین باشد زبان پارسی را آلوده نمی خواهد.

### با مهر و دوستی

خورداد ۳۷۴۵ کالیفرنیا

پای نویس ها

۱ -

سعدی این ره مشکل افتاده است در دریای عشق اول آخر در صبوری اندکی پایاب داشت

سعدی

زن و کودک و مرد با دستوار

نیافت از سر تیغ او زینهار

شاهنامه

۲ - خواهشگری واژه ی ناب پارسی است:

تو خواهشگری کن به نزدیک شاه

زکو دار ما تا ببخشد گناه

شاهنامه

### برای دریافت کتاب

## واژه های پارسی برای پارسی زبانان نوشته ی دکتر زرتشت آزادی

به تلفن ۹۶۰۶-۵۷۲-۷۱۴ زنگ بزنید و یا به نشانی زیر نامه بنویسید.

P.O. Box 1285, Placentia, CA 92871

### چاپ کتاب

با بهترین کیفیت و کمترین بها  
از یک رنگ تا تمام رنگی

شرکت چاپ آنلیمیتد

Tel: 818-882-1212

Fax: 818-882-7531

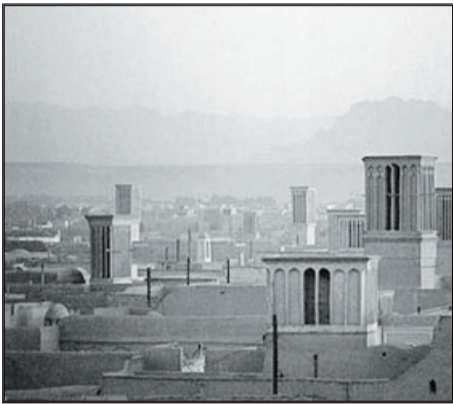
Email: Unlimitedprinting@sbcglobal.net



## باستان شناسان در جستجوی یزد باستان

یزد بکرترین بافت تاریخی ایران و دومین بافت خشتی جهان پس از ونیز است که به گفته کارشناسان، موضوع تاریخ پیش از اسلام آن یکی از سئوالات اصلی باستان شناسان است. امسال پژوهش‌هایی برای یافتن تاریخ گذشته این شهر آغاز شده اما تاکنون شواهدی که نشان‌دهنده وجود زندگی در این منطقه در پیش از تاریخ باشد، به دست نیامد. باستان‌شناسان احتمال می‌دهند یزد باستان را در نقطه‌دیگر بیابند.

### یزد، دومین بافت خشتی جهان



بافت تاریخی شهر یزد با مساحت ۷۴۳ هکتار عرصه و ۵ هزار هکتار حریم به شماره ۱۵ هزار اسفند سال ۸۴ به ثبت آثار ملی رسید. این ثبت بزرگترین ثبت در فهرست آثار ملی در این ۱۵ هزار اثری است که تا به امروز به ثبت ملی رسیده است. این شهر یکی از مهمترین شهرهای زنده و تاریخی ایران است که با ۴۷ مورد ساخت و ساز غیر مجاز در حوزه میراث فرهنگی و ۱۶ مورد تخریب آثار تاریخی منطقه، جرم خیزترین منطقه در میان استان های کشور نیز به شمار می‌رود. ثبت بافت تاریخی این شهر یکی از مهمترین راهکارهای جلوگیری از تخریب آثار تاریخی آن محسوب می‌شود.

## جشن تیرگان خجسته باد

این جشن برابر است با بزرگترین روز سال خورشیدی و گرمای تابستان که همان تیرروز از ماه تیر است. برابر با سالنامه کهن ایران و سالنامه زرتشتیان این روز سیزدهم تیرماه است که در سالنامه کنونی ایران به انگیزه ماههای سی و یک روزه، سه روز به جلو می‌افتد و در روز دهم تیرماه برگزار می‌گردد که با نیایش، آب پاشیدن کودکان بر روی هم و هدیه دادن نامزدها به یکدیگر و گاه با گرفتن فال حافظ و خوردن میوه و آجیل و خواندن سرود و پایکوبی به پایان می‌رسد.

مرکز زرتشتیان این سنت دیرین و جشن تیرگان را به همگان شادباش می‌گویند.

## کوروش کیخسرو شاهرخ



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها

ثبت حق تالیف، اختراعات، علایم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معالجات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of  
Koorosh K. Shahrokh, Esq.

Tel: (818) 476-0120

Fax: (818) 476-0121

100 N. Brand Blvd. #506, Glendale, CA 91203

# جشن تیرگان

### ازمنیژه ملکی

ایرانیان باستان بر اساس برداشتهای خود از فرهنگ ایرانی از گریه و زاری و اندوه خودداری می نمودند. برعکس برای آرامش تن و شادی روان جشنهای زیادی برپا می کردند.

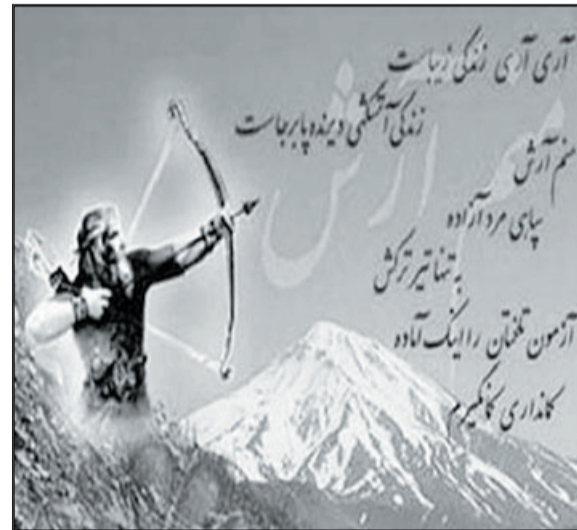
داریوش بزرگ در کتیبه ی بیستون چنین نگاشته است:

« اهورامزدا را سپاس می گویم که جهان را آفرید؛ مردمان را آفرید؛ شادی را آفرید و شادی را برای مردمان آفرید.»

بنابراین شادی یکی از پدیده‌های خداوند بوده که نمود خود را در جشنها و سرورهای مختلف نشان داده است. نظر خود ایرانی بوده است جشنهای متعدد ملی و میهنی (نوروز، مهرگان، سده و...)

مردم ایران بر پایه گردش سال خورشیدی و برابر با فصول چهارگانه و منطبق با آب و هوای این سرزمین بنیان گذاری شده بود و همه ی ایرانیان نسبت به ادامه یافتن آن دلبستگی شدید داشته و به یاد نیاکان پرافتخار خود به برگزاری این جشنها می پرداختند.

یکی از این جشنها تیرگان است. این جشن در تیر روز (روز سیزدهم) تیرماه برگزار میشود. این جشن مقدس در قدیم میان ایرانیان از شکوه زیادی برخوردار بود و خوشبختانه امروز هم احترام آن بین زرتشتیان همچون روزگاران پیشین



است. تیر در اوستا تیشتریه tishtrya و در پهلوی تیشتر tishhtar نام ستاره ای است که تازیان به آن شعرای یمانی گویند و در زبانهای اروپایی سیرویو Sirius نامیده می شوند و ستاره باران است. باورهای اساطیری و انگیزه های جشن تیرگان:

۱- ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه در باره ی جشن تیرگان چنین می نویسد:

« در ایران و توران وقتی افراسیاب بر منوچهر غلبه کرد و او را در طبرستان محاصره نمود قرار شد که حدود (مرز) ایران و توران به واسطه پرش خط سیر تیری معین معلوم شود. در این هنگام فرشته ی اسفندارمذ حاضر شد و امر کرد که تیر و کمان برگزینند. آن گاه آرش را که مردی حکیم، شریف و دیندار بود آوردند. آرش برهنه شد و بدنش را به حاضران نشان داد و گفت: " ای پادشاه، ای مردم به بدنم بنگرید. مرا زخمی و مرضی نیست ولی یقین دارم که پس از انداختن تیر بدنم پاره پاره شده و فدای شما خواهم شد." سپس دست به چله ی کمان برد و به نیروی اهورامزدا تیر را از شست رها کرد و خود جان به جان آفرین تسلیم نمود. گویند جایی که تیر پرت شد تا جایی که تیر به زمین نشست ۱۰۰۰ فرسنگ فاصله بود و منوچهر و افراسیاب به همین مقدار زمین با هم صلح کردند و آن نقطه مرز ایران و توران شناخته شد و این اتفاقها در روز تیرگان رخ داد.»

۲- نیز در باره ی فلسفه تیر روز نوشته اند:

« در زمان فیروز جد انوشیروان چند سالی باران نبارید و خشکسالی شد. فیروز به آتشکده پارس رفت و نیایش کرد و پس از آن باران فراوان بارید. از آن پس در میان ایرانیان چنین مرسوم شد که در چنین روزی به یاد آمدن باران به هم آب می پاشیدند. این روز به جشن ( آب ریزان) هم معروف است.»

۳- ابوریحان بیرونی در روایتی این جشن را به هوشنگ نسبت می دهد و گویند: «در این روز هوشنگ برادرش را بزرگ گردانید و از روی احترام و دوستی مقام کتابت و دبیری را به او بخشید و فرمود در این روز همه لباس کاتبان پوشند و در آن روزگار تا زمان گشتاسب جهت بزرگداشت امر کتابت و دبیری چنین رسمی همچنان پا بر جا بود.»

ابوریحان بیرونی و گردیزی و... از دو تیرگان یاد می کنند: تیرگان بزرگ و تیرگان کوچک. روز سیزدهم یا تیر روز که تیر رها شده است را تیرگان کوچک گویند و معتقدند که تیر جهت طی مسافت ۱۰۰۰ فرسنگ مدت ۱ شبانه روز در راه بود و روز بعد یعنی روز چهاردهم (گوش روز) در زمینی میانه فرغانه و تیرستان فرود آمد و صلح برقرار شد و این روز را تیرگان بزرگ نامیدند. زرتشتیان تیرگان را تیر و جشن نامند (tirujan) و برایش اهمیت فراوان قائلند. در این روز لباس نو می پوشند. نقل و شیرینی و میوه خوراکی های سنتی می پزند. پیش از جشن خانه را پاکیزه می کنند. بامدادان شستشو (غسل) می کنند. خواندن دو نیایش نامی (خورشید و مهر نیایش) از اوستا بسیار نیکوست. تیر و جشن یا جشن تیرگان یکی از شادترین جشنهای کهن ایرانی است.

بیش از همه کس بچه ها در این جشنها بهره می برند. با تارهای نخی و رنگینی که به مچ دست می بندند و در کوزه ها و خانه ها می دوند و ترانه می خوانند و در کنار نهرها و جویها به آب بازی می پردازند یا به هم آب می پاشیدند.

منابع:

۱- ما ایرانی هستیم. نوشته ی: سیروس کریمی بختیاری

۲- گاهشماری و جشنهای ایران باستان، نوشته ی: هاشم رضی



## پیشرفت یک ایرانی تبار

برگرفته از کیهان لندن

به کوشش: دکتر برزو نجمی

این روزها از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها خبر می رسد که شرکت فولاد انگلیسی / هلندی را یک کمپانی هندی به نام «تاتا» پس از چند ماه گفتگو و درگیری و گریبان گیری با کمپانی برزیلی بدست آورده است. آیا ما ایرانیان می دانیم که بنیان گذار این کمپانی، جمشید تاتا از یک خاندان ایرانی است که در هندوستان جایگزین شده اند؟

پس از یورش تازیان به ایران، در سده هفتم ترسایی (میلادی) گروهی از ایرانیان سر به زیر حکومت بیگانه فرود نیآورده و به هندوستان کوچ کردند. داستان کوچ ایرانیان از جزیره هرمز به کرانه باختری استان «گجرات» (سنجان - سنگان) در سال ۱۶۰۰ توسط مردی به نام بهمن کیقباد به نگارش درآمده و به عنوان «قصه سنجان» شناخته شده است.

بله ایرانیانی که حدود یک هزار سال پیش به هندوستان پناهنده شدند «پارسیان» می گویند. پارسیان هند تا امروز و پس از یک هزار سال هنوز نام های ایرانی آریایی دارند و نام ایرانی برای فرزندان خود برمی گزیدند مانند جمشید، روین تن، ماه بانو، شهربانو، مهربانو، رستم، داریوش، سهراب و ... نام خانوادگی پارسیان بیشتر به استان و سرزمین زادگاه آنها بستگی دارد مانند: سنجانا (از سنجان)، انگلساریا (از انگلسار)، تاتا (از سرزمین تاتا که با «تات» و «تاتی» ایرانی نیز همبستگی دارد). شادروان پورداود داستان کوچ کردن ایرانیان را از روی سروده «قصه سنجان» به شیوه ای دلپذیر گزارش می دهد. کوتاه شده آن چنین است:

ز کین و ز بیداد تازی سپاه  
گروهی پراکنده در کوهسار  
به دریا بسی کشتی انداختند  
فورفتن اندر دهان نهنگ  
ز هرمز روان هندوستان  
دوچشمان پرازاشک و افسوس گوی  
«تو ای کشور پاک ایران ما  
دروود فروان ما بر تو باد  
به تیغ از نمایند مان ریز ریز  
چنین خوار و بیمار و پژمان شدی  
شده کشورت از عرب یکسره  
سران و بزرگان و فرزانتان  
بمانیم در مهر خود استوار  
سکندر نماند و نماند عرب  
کنون روزگار تو وارون بود  
دریغا که از کرده اهرمن  
چه گویم که از گردش روزگار  
بجز رفتن از نزد تو چاره گو  
عرب آمد و نام ما تنگ شد  
توای آبوای بادوای کوه و خاک  
مرنج از تو روی برتافتیم  
به یاد تو یک شعله روشن کنیم»

کسی را به کشور نمانده پناه  
دل افسرده از دشمن نابکار  
بر آن بادبان ها برافراشتند  
به از تازیان کشته گشتن به ننگ  
گله مند از بخت و ز اختران  
سروده چنین موبد نیک خوی  
تو ای سرزمین نیاکان ما  
همیشه اهورات یار تو باد  
به مهر تو خیزیم در رستخیز  
زبون و تباه و پریشان شدی  
ز هامون و دشت و زکوه و دره  
کشیده به زنجیر اهریمنان  
نیازیم امید در روزگار  
نه تیمور ماند نه رومی نسب  
دل ما ز داغ تو بر خون بود  
نشاید در این سرزمین زیستن  
بباید همی رفتن زین دیار  
پناهی به ما زار و آواره کو  
در آغوش تو جای ما تنگ شد  
زما گوی بدرود بر مام پاک  
سوی کشور هند بشناقتیم  
به یاد تو یک گوشه گلشن کنیم»



نفر از برکت این کمپانی ها نان می خورند. شکفت این که شرکت فولاد تاتا یک شرکت نیکو کاری است. سرپرستی کنونیان رتن (روین تن) تاتا از زادگان بنیان گذار نخستین نیز مانند همه کارگران و کارمندان دستمزد بگیر است. در سال ۱۸۹۹ جمشید با فرمانروای انگلیس در هندوستان «لرد کرزن» آشنا شد. جمشید پیشنهاد «لرد کرزن» برای دریافت لقب درباری انگلیس (بارونی) را پذیرفت. در سالهای پایانی زندگی ملکه ویکتوریا، جمشید و فامیل و یارانش بر آن شدند که فرآورده های زیربنایی سنگین را برای جهان سوم بنیاد و پایه گذاری کنند. آهن و فولاد شالوه استوار صنعت بشمار می رفت. از این رو در نخستین سالهای سده بیستم کمپانی «آهن و فولاد تاتا» برپا گردید. بسیار زود فرآورده های آهن و فولاد را به بازارهای جهان فرستادند. یکی از ویژه گی های جمشید این بود که همیشه

کوشش می کرد مانند رضا شاه همه هزینه و کنترل صنایع از خود مردم و در دست خود مردم باشد و بیگانگان در این کار سرمایه گذاری و زبردستی سیاسی نداشته باشند. جمشید در سال ۱۹۰۴ درگذشت و خاندان او کار او را دنبال کردند. فن نوآوری در هندوستان از او پیروی شده است. برای نمونه «جهانگیر رتن تاتا» پایه گذار شرکت هواپیمایی هندوستان بود.

نخست وزیر هندوستان نهر، جمشید را پدر صنعت هند نامیده است. گذشته از بنیادهای بازرگانی و صنعت، این خاندان کانون های دانشی و پژوهشی نیز برپا کردند و هر ساله بورس دانشجویی دادن از برنامه های نیکوکاری آنهاست.

### دو داستان شنیدنی

یکی از داستانهای شیرین این است که شبی جمشید و دوستانش در بمبئی می خواستند برای شام به یک کلپ اشرفی شهر بروند. با اینکه جمشید یک بازرگان شناخته شده و سرشناس بمبئی بود، دربان کلپ او و مهمان ها را به کلپ راه نداد. بهانه این بود که کلپ ویژه انگلیسیها است.

جمشید از این پیش آمد بسیار افسرده گردید اما هیچگونه واکنشی از خود نشان نداد. فردای آن روز بهترین و سرشناس ترین آرشیتکت و مهندس ساختمان شهر را به دفارش فراخواند و دستور داد هر چه زودتر نقشه یک هتل که دارای چند رستوران مجلل باشد روی زمینی که نزدیک دریا است برایش برنامه ریزی کنند. همان روز بنیاد هتل «تاج» در بمبئی پی ریزی شد. این هتل در سال ۱۹۰۴ گشایش یافت و نخستین هتلی بود که در آسیا آسانسور داشت. و امروز بیش از یک سده از ساختن آن هتل می گذرد و هنوز بهترین هتل در بمبئی بشمار می آید. این شیوه و برخورد جمشید و خاندان او با دشواریها بود. کمتر پادشاه، نخست وزیر و یار رئیس جمهوری است که به بمبئی برود و در هتل تاج از او پذیرایی نشود. داستان دیگر این است که یک روز یک انگلیسی مهمان خاندان تاتا بود. مهمان پیش از رفتن به هندوستان از خانواده تاتا درخواست کرد تا نام فرآورده های کمپانی تاتا را برایش بنویسند.


میزبان با زبان دلنشین چنین پاسخ داد:

زمانی که سوار هواپیما شدی آگاه باش که پایه گذار «ار ایندیا» خاندان تاتا هستند. زمانی که وارد بمبئی شدی، اگر تاکسی گرفتی بی گمان موتور تاکسی ساخت «تاتا موتور کمپانی» است. بهتر است که به بهترین هتل بمبئی هتل تاج بروید چون آن نیز از خاندان تاتا می باشد. در دستشویی خواهید دید که حوله و صابون و شامپو نیز از فرآورده های شرکت تاتا هستند. زمانی که به هندوستان آمدی بیشتر برایت گزارش خواهیم داد و شما را به کشتی سازی و کارخانه فولاد خواهیم برد.

پارسیان، ایرانیان زرتشتی که بیش از یک هزار سال پیش به هندوستان کوچ کرده اند با این که شمار آنها در برابر شمار هندوها بسیار کوچک و ناچیز است اما به پیروی از فرهنگ باستانی ایرانی به کار و کوشش می پردازند مانند بیشتر ایرانیانی که در ایران زندگی می کنند نیستند و به سرنوشت و تقدیر و مانند هندوها به تناسخ باور ندارند. هیچگاه چشم به راه معجزه فرمانروای دینی نمی نشینند. شاید این راز پیروزی آنها است. کارگزار نیروی اتمی هندوستان یک پارسی بود. زمانی سرپرست سه نیروی زمینی و دریایی و هوایی هندوستان سه افسر پارسی بودند.

تاریخ اگر دوباره تکرار شود

آدم به طواف تخت جمشید آید.





### فرهادماندگاری

مشاور املاک

Fred Mandegari

A.L.F & Associates Commercial Group  
Listings and Sales of Multi-Residential units, Industrial and Commercial Businesses  
Commercial Buildings, Commercial Lease, Hospitality, Land and  
Your Real Estate Consultant in Orange and Riverside Counties  
Contact me for Buying or Selling

Cell Number: (949) 300-4195  
Email: fredmandegari@kw.com

جمشید تاتا فرزند نوشیروان، در خاندان پارسی زرتشتی در سال ۱۸۳۹ در نوساری هندوستان به جهان آمد. در سال ۱۸۵۲ خاندانش به شهر بمبئی رفتند. نوشیروان به کار بازرگانی و جمشید در انستوت لفینستون به آموختن مدیریت و اقتصاد پرداخت و در سال ۱۸۵۹ لیسانس گرفت. پس از پایان دوره دانشجویی جمشید با برادر بزرگ خود داراب، به تجارتخانه پدر پیوستند. تجارتخانه آنها در هنگ کنگ نیز شعبه باز کرد. جمشید برای گسترش خرید و فروش پنبه، چای، ابریشم، ادویه و فلزات نمونه به شهر شانگهای در چین فرستاده شد تا در آن شهر شعبه ای باز کنند. او در سال ۱۸۶۳ به هندوستان بازگشت و همان روزهای نخستین با یک مامور دولت انگلیس دست به گریبان شد و سپس بازداشت و با ضمانت آزاد گردید.

شکفت این که همان سال نیز پیرو برنامه ریزی از پیش تهیه شده به انگلستان آمد تا بازار پنبه و ریسندگی انگلیس و اروپا را بررسی کند. در آن زمان انگلیسی ها با دشواری فراوان روبرو بودند. چون می بایستی پنبه را از کشورهای آسیایی خریداری کرده و پس از ریستن و بافتن پارچه را دوباره به کشورهای آسیایی بفروشد و با بالا رفتن بهای پنبه و هزینه ترابری بهره این روش تجارت هر روز کاهش پیدا می کرد. در سال ۱۸۶۹ شرکت «تاتا و فرزندان» با مسئولیت محدود در هندوستان برپا شد و این شرکت با فروش سهام توانست چند کارخانه ریسندگی در هندوستان دایر کند. یکی از ویژه گی های این شرکت آن بود که برای همه کارگران و کارمندان خود کانون های بهبودی و آسایش مانند کلپهای اجتماعی، بنیادهای بهداشتی و بیمارستان برپا کرد و پاداش و دستمزد بازنشستگی برای کارگران و کارمندان فراهم آورد. امروز شمار بنیادها و شرکت های تاتا پیرامون یک صد می باشد. صدها هزار



## پیرامون کتابسوزی بزرگ تازیان

به کوشش: کورش محسنی

پس از او اردشیر بابکان (ارتخشتر بابکان) و فرزندش شاپور و دیگران در پادشاهی ساسانی کار او را جدی تر دنبال کردند. به گواهی دینکرت: «پادشاه بزرگ اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ یا ۲۴۲) هیرید هیریدان، تنسر را به دربار خود خوانده به وی به فرمود مابقی اوستا را که تا آن روز گردآوری نشده بود مدون سازند. (۹) پس از وی

پس از چیرگی بر ایران و مصر گزارش ها و بازگویی های فراوانی وجود دارد. در این میان به دو گزارش برجسته میپردازیم. این دو گزارش بدست دو تاریخنگار گوناگون و در زمان و جاهای گوناگون از هم آورده شده است. نخستین گزارش را از ابن خلدون تاریخ نگار و فیلسوف برجسته ی عرب زبان (زاده ی تونس) می آوریم. ابن خلدون در گفتار «العلوم العقلیه و اصنافها» از پیشگفتار تاریخش گوید:

«زمانی که کشور ایران گشوده شد نسکها (کتابها) ی فراوانی در آن سرزمین به دست تازیان افتاد. سعد بن ابی وقاص درباره ی آن نسکها نامه نوشت و در ترجمه کردن آنها برای مسلمانان پروا خواست. عمر بدو نوشت که آن نسکها را در آب افکنند، چه اگر آنچه در آنهاست راهنمایی است، خدا ما را به رهنما تر از آن هدایت کرده است و اگر گمراهی است خدا ما را از شر آن محفوظ داشته. بنابراین آن نسکها را در آب یا در آتش افکندند و دانشهای ایرانیان که در آن کتب نگاشته شده بود، از میان رفت و به دست ما نرسید.»

گزارش دوم از ابو الفرج ابن العبری: «...چیزهایی که چندان محل حاجت شما نیست خواهش می کنم که آنها را به خود ما واگذار کنید که استحقاق ما به آنها بیشتر می باشد. عمرو پرسید که آنها چیستند؟ در جواب گفت: کتب حکمت و فلسفه می باشند که در کتابخانه دولتی ذخیره شده اند. عمرو اظهار داشت که من در این باب باید از خلیفه (عمر) دستور بخواهم و الا از خودم نمی توانم قبلا اقدامی کنم. چنانکه عین واقعه را به خلیفه اطلاع داده و کسب تکلیف نمود، در جواب نوشت: اگر این کتابها موافق با قرآن می باشند هیچ ضرورتی به آنها نیست و اگر مخالف با قرآن اند تمام آنها را بر باد ده. بعد از وصول این جواب، عمرو شروع به انهدام کتابخانه نموده مقرر داشت که بین حمامهای اسکندریه کتابها را تقسیم کردند و از این رو در مدت شش ماه تمام کتب را سوزانیده بر باد داد. آنچه واقع شده بدون استعجاب قبول نما.»

در این میان گزارش های دیگری نیز وجود دارد. برای نمونه به گزارش ابوریحان بیرونی میپردازیم. ابوریحان در در الآثار الباقیه مینویسد:

«و چون قتیبه بن مسلم نویسندگان ایشان (خوارزمیان) را هلاک کرد و هیریدان ایشان را بکشت و کتب و نوشته های آنان را بسوخت» همچنین برای رسیدن به هوده ی (نتیجه ی) وجود کتابخانه های بزرگ و دانشمندان و فرهیختگان در ایران پیش از تاختن تازیان میتوان به نسکهای دینی و زرتشتی مراجعه کرد. میدانیم که پس از شکست یونانیان و برپایی پادشاهی ایرانی اشکانی، بلاش (ولخش) اشکانی دستور به گردآوری اوستا و دیگر نوشته های دانشیک آن زمان داد به گواهی دینکرت:

«فرمان داد که تا اوراق باقی مانده ی اوستا را که متفرق و پریشان شده بود اعم از آن چه که مدون بود و یا فقط در یادها و خاطرها باقی مانده بود گردآوری کند.»

پسرش شاپور (۲۴۲-۲۷۲) فرمان داد تا قطعات راجع به طب و نجوم و جغرافیا و فلسفه را که نزد هندوان و یونانیان پراکنده بود به دست آورده جز اوستا سازند و نسخه ای از آن را در گنج شپیکان گذارند، بالاخره شاپور دوم پسر هرمز (۳۱۰-۳۷۹) برای از میان برداشتن گفتگوهای دینی که در بین دسته های گوناگون برخاسته بود آذربد پسر مهراسپند را بر آن داشت که به اوستا مرور نموده و انگیزه های بر درستی آن به دست دهد.»

افزون بر نسکخانه های بزرگ که در بر دارنده ی دانش چند هزار ساله ی ایرانیان بود، میتوان به سازه هایی اشاره کرد که بیگمان نیاز به دانش هندسی و ریاضی و فیزیک و ... داشته اند. طاق کسرا، آتشکده ی آذرفرنبغ (پارس) در فیروزآباد و کاخ اردشیر، کاخ سروستان، شهر بیشاپور و... کتابهای دینی در بردارنده ی دستورهای پزشکی به زبان پهلوی و نیز سپاهی توانمند با منجنیق ها

و جنگ افزارهای پیشرفته که حدود ۴۰۰ سال توانست در برابر تاخت و تاز خاقانات ترک غربی و سپاه بزرگ روم و رخنه های پی در پی تازیان تاب بیاورد، از دیگر نشانه های جایگاه بالای دانش در میان ایرانیان پیش از یورش تازیان هست.

ابولولو که منابع او را پیروز نامیده اند یک ایرانی از نهند بود که بدست اعراب دستگیر شد و به غلامی مغیره بن شعبه فرمانروای کوفه درآمد او به دانش و فنند های نقاشی، آهنگری، و درودگری آشنا بود و به همین انگیزه بدستور عمر به مدینه آورده شد. کینه ی کودکان و زنان ایرانی که هر روز بدست تازیان جلوی چشمان او به بردگی کشیده میشدند، انگیزه ای شد که فیروز انتقام ایرانیها را از عمر بگیرد و او را بکشد. چیزی که در این بازگویی به کار جستار کنونی می آید.

# Full Service Lender

دریافت بهترین نرخ وام، متناسب با شرایط شما

با کردیت عالی، کردیت متوسط و یا سابقه ورشکستگی و فور کلوزر - در سراسر کالیفرنیا و نوادا

**FREE PRE-APPROVAL WITHIN 4 HOURS**

• وامهای بدون اوراق مالیاتی، شغل ثابت و یا داشتن کارت سبز

**E.Z. Qualifier**

Up to 100% of the Value

**NO Tax Returns**

**NO W2, Pay Stubs**

**Reverse Mortgage:**

دریافت پول از بانک به طریق یکجا یا ماهیانه

قابل توجه اجاره نشینان:

چرا پول اجاره می پردازید؟

وام بدون پیش قسط تا ۱۰۰٪

ارزش ملک با کمترین بهره

100% Financing (No Money Down)

• وام های ثابت و متغیر

۱۰، ۱۵، ۳۰، ۴۰، ۵۰ ساله

Fixed & Adjustable Rates - Interest Only

• وام املاک تجاری، آپارتمان بیلدینگ، شاپینگ سنتر و آفیس بیلدینگ

• وام SBA تا ۹۰٪ ارزش ملک

Car Wash / Gas Station

• وام ساختمانی: مسکونی - تجاری

تجربه دلپذیر و بدون دردسر، با سرویس سریع و حرفه ای

# دانی امینی

با بیش از ۱۵ سابقه در مدیریت امور ملکی و وام

مشاوره رایگان برای انتخاب بهترین وام متناسب با شرایط شما

## Donny Amini

Licensed Broker

V.P., Loan Production Manager

**818.986.3900 Ext. 203**

Voice Mail: 818.375.7900

DonnyAmini@FirstBanker.com

FirstBanker Mortgage Corp. R.E. Broker - CA dept. of Real Estate - DRE Lic. #00935717



## طرز تهیه کماج

از: بانو بختیاری (یزدانی)



- مواد لازم:  
 ۲ لیوان آرد سفید  
 یک قاشق مربا خوری بکینگ پودر  
 ۲ عدد تخم مرغ  
 نصف لیوان کشمش  
 یک سوم لیوان روغن مایع  
 نصف لیوان شیر  
 یک قاشق سوپ خوری دارچین ساییده شده  
 نصف بسته خمیر مایه خشک (yeast)  
 یک قاشق مربا خوری هل ساییده شده  
 یک قاشق مربا خوری جوش شیرین  
 یک قاشق سوپ خوری گل محمدی ساییده شده

طرز تهیه:

ابتدا زرده و سفیده تخم مرغ را به هم می‌زنیم تا کف کند. روغن را اضافه کرده و شیر را گرم می‌نماییم و به آن اضافه می‌کنیم. در ظرف جداگانه آرد، شکر، خمیر مایه و جوش شیرین (Baking Soda) را مخلوط می‌کنیم و با تخم مرغ در همزن ریخته خوب بهم می‌زنیم. سفتی خمیر نه باید زیاد رقیق باشد و نه سفت. اگر سفت بود کمی آب گرم اضافه می‌کنیم. این مخلوط را در جای گرم به مدت یک ساعت قرار داده تا ور بیاید. سپس گلاب و کشمش و گردو و دارچین و گل محمدی و هل و بیکینگ پودر با خمیر مخلوط کرده و با ملاقه کمی بهم می‌زنیم فقط برای اینکه مخلوط شوند. نیم ساعت الی ۴۵ دقیقه می‌گذاریم بماند. ظرف فر را گرم کرده کف آن را با کره یا روغن چرب می‌کنیم. مایع را در آن ریخته حدود یک ساعت با حرارت ۳۵۰ درجه می‌گذاریم بپزد. سپس با یک چنگال آن را امتحان می‌کنیم اگر پخته بود آن را برداشته و نوش جان می‌کنیم.

## گنجینه پیدا شده در رامهرمز



بولدوزرها به جان تاریخی ناشناخته در دل زمین می‌افتند و ناگهان کتابی پاره روبروی آن‌ها با صدای بلند خوانده می‌شود. زمزمه‌ها در شهر می‌پیچد و بار دیگر همچون همیشه، پیش از آنکه نیروی انتظامی و کارشناسان میراث فرهنگی برسند، دیگران خبردار می‌شوند و برخی از اشیاء به غارت می‌روند.

پس از آن که آثار تاریخی رامهرمز کشف شد، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اعلام کرد تمامی آنچه توسط حفاران غیر مجاز برده شده بود، برگردانده شد و چند نفر هم دستگیر شدند.

تعداد اشیاء گنجینه رامهرمز پیش از هر چیزی دامن شایعات را گستراند و این شایعات از سکوت مسئولان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در برابر خبرنگاران و بایکوت خبری آنچه در روستای جوبیجی رامهرمز اتفاق افتاده بود جان گرفت.

تعداد اشیاء کشف شده مهمترین سوال مطبوعات و افکار عمومی بود. دامنه شایعه‌ها تعداد آثار را بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ اعلام کرد اما تا به امروز هیچ یک از مسئولان سازمان میراث فرهنگی حاضر به اعلام دقیق تعداد آن‌ها نشده‌اند.

مهمترین دلیلی که عنوان شد، دور نگهداشتن سارقان و قاچاقچیان حرفه‌ای از این اشیاء بود. اما سکوت خبری تا جایی پیش رفت که یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی تعداد اشیاء را ۸۰۰ شی اعلام کرد، سایت پلیس تعداد آن‌ها ۴۰۰ را شی عنوان کرد و آمارهای متفاوتی همچنان از سوی رسانه‌های سراسری و محلی انتشار داده می‌شود.

اما آنچه ۱۲ اردیبهشت در اداره آگاهی رامهرمز به امضای مسئولان این شهر رسید، از یک پلاک طلایی دارای تزئینات برجسته به وزن ۳۵ گرم آغاز شد.

یک حلقه موسوم به حلقه قدرت دارای خط میخی به وزن ۱۷۵ گرم، حلقه موسوم به "حلقه قدرت دارای نقش برجسته با وزن ۱۰۵ گرم، حلقه قدرت با وزن ۵۵ گرم، حلقه قدرت شکسته دارای خط میخی با وزن ۵۵ گرم، حلقه قدرت دارای تزئینات با وزن ۵۵ گرم از اشیاء قابل توجه باستان شناسان است.

هرچند "آرمان شیشه‌گر"، که امروزه سرپرستی هیات کاوش در این منطقه را به عهده گرفته و به دستور روسای خویش حاضر به گفتگو با هیچ خبرنگاری بویژه خبرنگار میراث‌خبر نیست، خط بطلان روی نظرات سایرین می‌کشد و تنها بزرگترین حلقه را به عنوان حلقه موسوم به حلقه قدرت معرفی می‌کند.

مچ‌بند دارای تزئینات با نگین دارای ۹۵ گرم وزن، شی بعدی بود که در دست کارشناسان قرار گرفت. دستبند طلایی با تزئینات دو سر به شکل آهو و گل نگین دار با وزن ۸۵ گرم، دستبند طلایی با تزئینات سبک دو سر گل با وزن ۵۰ گرم، دو مچ بند ساده با وزن ۳۲۵ گرم، مچ بند دارای تزئینات نگین با وزن ۹۵ گرم، مچ بندی با نقش آهو نگین دار دارای تزئینات به شکل گل با وزن ۷۵ گرم، مچ بند به وزن ۱۰۰ گرم و صدها قطعه دیگر.

پس از استقرار تیم باستان‌شناسان و الک خاک‌های ایجاد شده در نتیجه عملیات عمرانی شرکت آب و فاضلاب سر یک مجسمه نیز کشف شد

## در خواست نیکو کاری

کتاب «واژه‌های پارسی برای پارسی زبانان» گردآورده‌ی دکتر زرتشت آزادی نزدیک به نایاب شدن است. برای چاپ دویم این کتاب به پشتوانه‌ی پولی نیاز است.

کسانی که می‌توانند در این کار یاری دهند خواهشمند است به شماره‌ی

۵۷۲-۹۶۰۶ - ۷۱۴ زنگ بزیند

یا به نشانی زیر نامه بنویسند

Dr. Z. Azadi

P.O. Box 1285, Placentia, CA 92871

طرح از: خداداد خدا بخشی

## جدول

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱
										۲
										۳
										۴
										۵
										۶
										۷
										۸
										۹
										۱۰

افقی

- ۱- در تیرایزد و تیرماه برگزار می‌شود.
- ۲- آدم ساده لوح - ورم عروق پا
- ۳- الف را حذف کنید و ه را اضافه کنید یکی از زوجین می‌شود - طلا سازی
- ۴- برای تأیید دو مرتبه جواب منفی می‌دهد - محله‌ای در نیویورک
- ۶- زن یا شوهر - یک نوع نی است که بیشتر حوالی مرداب می‌روید
- ۷- تا - همان ناگهان معنی می‌دهد
- ۸- گاهی این صدا در گوش می‌پیچد - شایسته
- ۹- سقف فروریخته - اسمی است فرنگی
- ۱۰- توان - خدا

عمودی

- ۱- قهرمانی ورزش دنیا
- ۲- حس بویایی - در انزوا بسر می‌برد
- ۳- اسم خارجی است - مثل سگ می‌ماند
- ۴- زیاد آن در خون بیماری زاست - ه را بردارید که جایی یا بلیطی داشته باشید
- ۶- در ماه رمضان می‌گیرند - کرنش به درگاه خداوند
- ۷- دو حرف ی را در آخرش اضافه کنید تا قدرت بدست آید - وجهی به حساب ریختن
- ۸- کارش با طلا آلات است - بجای گ حرف واو اضافه شود و از آن طرف ناراحتی می‌شود
- ۹- حرف ی به آخرش اضافه کنید تا به انگلیسی سالیانه شود - از حواریون حضرت موسی
- ۱۰- باد خنک - کشور عزیز خودمان



دفتر نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی

تاریخ تحویل ۱۶/۱۲/۸۶

اعلام

تسلی



ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

خواهشمند است برابر ماده ۱۹۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تذکر زیر را ابلاغ و خلاصه آنرا در مجلس قرائت فرمائید.

مخاطب: رئیس مجلس محترم وزیر محترم نیرو  
خلاصه: دستور حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی بندر سیراف در استان بوشهر و جابجایی دکل های انتقال برق از منطقه باستانی شهر بندر سیراف بندری در کنار خلیج فارس است که با داشتن آثار فرهنگی بسیاری از دوره های تمدن گذشته ایران آمادگی دارد تا به صورت مرکز با ارزش و دیدنی گردشگری در آید زیرا مزارهای سنگی رومی خورشید و در باسکوه دوره ساسانی گواهی از پیشرفت تمدن مردم این منطقه دارد در سالها راه های گذشته اشخاص و بناهای دولتی بدون مجوز به میراث فرهنگی این بندر آب های فراوانی وارد ساخته اند، آب دریا بخشی از میراث فرهنگی را نابود کرده است و دکل های برق نیز از دل میراث فرهنگی سیراف عبور کرده است دستور رسیدگی به میراث (در صورت نیاز به توضیح بیشتر لو پشت برگ اسناد فرستاد) این بندر لازم و ضروری است

نام نماینده: ... حوزه انتخابیه: ...  
توزیر: ...  
امضاء: ...

پیام نماینده زرتشتیان در ایران در نقد فیلم ۳۰۰



در تاریخ پر فراز و فرود گذشتگان ما هیچگاه تازیانه فرهنگی و یورش بیگانگان بر تاروپود کیان ایرانی نتوانسته چیزی از شکوه تمدن این سرزمین اهورایی را کم کند، نام ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی همواره از دیرباز تا کنون بر تارک دنیا می درخشد و این فروغ تابناک است که حسادت تاریخی اقوام را فراهم کرده و یورشها را موجب شده است ولی سرافرازی ملت ایران در همه دورانها این بوده که به دلیل ویژگی فرهنگی برتر خود همواره یک تاز میدان نبرد فرهنگی خویش بوده و پس از پایان یورشهای بیگانگان بی خرد و فرهنگ، ملت ایران همچنان ایرانی باقیمانده و زبان و تاریخ و فرهنگ و سنتهای خود را فراموش نکرده است و هنوز هم به آن می بالد و افتخار می کند.

فرآیند ساخت فیلم ۳۰۰ نه تنها ناتوانی گذشتگان ما را بیان نمی کند، بلکه گواهی بر عظمت و پویایی فرهنگ گذشتگان فرهیخته ما را گزارش می دهد، اگر این کوردلان تاریخ و این بی هویت هایی که خودشان فرهنگ و تمدنی درخشان در تاریخ ملت ها ندارند، چنین باور دروغینی نداشته باشند و چنین فیلمی برای تمدن ما نسازند، جای تعجب دارد!! بر پژوهشگران و فرهیختگان آشکار است که موزه ها و نگاره ها و میراث فرهنگی جهان گزارش دیگری از شکوه تمدن ایرانی ذکر کرده اند، وقتی هروود نخستین گزارشگر تاریخ ایران که دشمنی او نیز بر تمدن ایرانیان به خوبی آشکار است در گزارش خود آورده است که ایرانیان بر فرش قدم می گذارند، با قاشق و چنگال غذا می خورند و به زبان شعر سخن می گویند، آیا گزارش فیلم ۳۰۰ که دکان تبلیغاتی ناجوانمردان هالیوود است چه جایگاهی می تواند داشته باشد.

بیش از این، باید نگران بی مهری های رسانه های خودمان باشیم که چرا اهمیت بیشتری به فرهنگ ارزشمند این سرزمین نمی دهد. چرا تا کنون نهادهای مسئول به فکر تهیه و اکران فیلم هایی نبوده اند تا شخصیت درست کوروش و خشایار و داریوش را آنچنانکه واقعیت داشته نشان دهند و چرا داستان تخیلی آنان باید به فیلم ۳۰۰ تبدیل شود ولی گزارش های با ارزش شاهنامه فردوسی به صورت استوره بیان شود و از رستم گویو و گودرز کمتر سخنی به میان آید!  
چرا رسانه ملی و تلویزیونی که باید فرهنگ ایران را از هر گوشه آن پاسداری کند، نقش های منفی و شرور را به نام های ایرانی مانند خشایار و اسفندیار و سهراب می دهد تا در ذهن و باور فرزندان این سرزمین شخصیت های تاریخی جلوه ای ناخوش آیند داشته باشد، به عبارتی ساده تر می توان گفت "از ماست که بر ماست".

شاید ساخت فیلم ۳۰۰ انگیزه های شود برای اینکه بیشتر به فرهنگ دیرینه خود بیندیشیم و با پرداختن به آن بهتر و رساتر به نیاکان خود افتخار کنیم.  
با توجه به همزمانی این نشست با شکوه که بیگمان هدف آن پویایی فرهنگ ایران است، با نشست دیگری که با همکیشانم دارم از حضور در بین شما دوستداران و مشتاقان تاریخ و فرهنگ ایران پوزش خواسته و از شما عزیزان فرهیخته و بزرگووار و نیز دست اندرکاران دوهفته نامه امرداد برای تلاش هایشان در شناسایی و بیان دیدگاه های فرهنگی ایران و دفاع از کیان همیشه پایدار تمدن این کشور سپاسگزارم.

نگهداری از بازمانده های فرهنگی

پیام نماینده زرتشتیان ایران به رئیس جمهور محترم و وزیر محترم نیرو

تذکر به رئیس جمهور محترم و وزیر نیرو درباره دستور کاوش و نگهداری از میراث فرهنگی موجود در تپه های باستانی مسیر سدهای در حال اجرای استان کردستان  
با اجرای سدهای استان کردستان مانند "سنگ سیاه"، "سد سیازاخ"، "سد آزاد" و "سد تلوار" تپه های باستانی در مسیر آنها به زیر آب خواهد رفت، درحالیکه برخی از این تپه ها در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسیده اند، شایسته است پیش از پایان کار سدسازی و آب گیری آن، کارشناسان میراث فرهنگی بررسی لازم را انجام دهند تا میراث ارزشمند ایران که در گذر هزاران سال فراهم شده در زیر آب مدفون نشود.

آثار باستانی جیرفت به حراج گذاشته شد



پس از رای نهایی دادگاه لندن مبنی بر حراج و فروش آثار باستانی مربوط به جیرفت، فرهنگستان هنر این کار را غیر قانونی دانست. بیانیه فرهنگستان هنر در حالی چاپ شد که دفتر حقوقی سازمان میراث فرهنگی در فروردین ماه از بررسی اعتراض به این حکم سخن می گفت. امید غنمی با اشاره به دقیق و آشکار بودن قوانین ایران در باره مالکیت همه اشیای تاریخی، موفق نشدن ایران در این پرونده را به دلیل شفاف نبودن قوانین مالکیت نادرست دانست.  
بیانیه فرهنگستان که دارای نکته های جالبیست بدین ترتیب است: شوریختانه بر اساس رای یکی از دادگاه های انگلیس، این اشیاء متعلق به فروشنده دانسته شده و حراج آنها قانونی شناخته شده است.

بنابر پیمان های بین المللی و بیانیه های متعدد سازمان یونسکو، خرید و فروش این گونه اشیاء جرم بوده و در هر شکلی باید به کشور مبداء بازگردانده شود و هیچ دادگاهی نمی تواند بر اساس قوانین محلی به تغییر مالکیت آنها حکم دهد.

ویرانی بخشی از بافت تاریخی دزفول به دست شهرداری



بخشی از بافت تاریخی شهر دزفول در حریم درجه یک و دو پل ساسانی این شهر بدون استعلام از اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای ساخت جاده ساحلی توسط شهرداری این شهر ویران شد.  
بافت تاریخی شهر دزفول دارای گستره ای ۲۵۰ هکتاری است

که به دلیل بازسازی نشدن بموقع، بارش باران و زلزله های پیاپی رو بهویرانی می رود. دولت یکی از راهکارهای نجات این بافت ارزشمند را ایجاد تسهیلات از جمله اعطای وام بازسازی و یا خرید برای صاحبان این بافت تعیین کرده است. اما تاکنون هیچ یک از مالکان این بافت موفق به استفاده از چنین امتیازی نشده اند.  
کارشناسان بافت تاریخی، دزفول را کتاب زنده و مصوری می دانند که می تواند دانش آموختگان معماری و نیز پژوهشگران حوزه فرهنگ و تمدن ایران را به خود جذب کند.

تپه های باستانی کاشان

شناسنامه تاریخی اصفهان است



بنابر گزارشی از سازمان میراث فرهنگی ایران، آقای سعید بکتاش رییس این سازمان در بخش اصفهان به خبرنگاران گفت که «تپه های باستانی سیلک کاشان شناسنامه و سند تاریخی استان اصفهان است.» وی افزود که ارزش های تاریخی و معنوی را باید خوب شناخت و باز تعریف کرد.

فرماندار کاشان نیز گفت که این شهر به علت نداشتن برنامه ریزی مطلوب تاکنون از سود فراوانی که از بابت گردشگران داخلی و خارجی میتواند حاصل شود بی بهره مانده است.

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران اعلام داشت که سعی دارد تپه های تاریخی سیلک کاشان را در فهرست آثار ثبت جهانی به ثبت برساند تا از پرخاش و تخریب بیشتر به این مکان تاریخی جلوگیری شود.

این مناطق تاریخی سالها به عنوان زباله دانی مصالح ساختمانی و تخریب آن توسط کامیونها و موتورسواران بوده است.





## آخرین گفتار داریوش بزرگ (شاه هخامنشی)

اینک که من از این دنیا می روم ۲۵ کشور جزو قلمرو شاهنشاهی ایران است و در همه ی این کشورها پول ایران رواج دارد و در آن کشورها ایرانیان ارجمندند و مردم کشورها نیز در ایران دارای ارزش انسانی می باشند.

جانشین من، خشایارشا، باید مانند من در نگه داری این کشورها بکوشد. راه نگهداری این کشورها این است که در امور داخلی آنها مداخله نکند و مذهب و آیین و دین آنها را گرمی دارد. اکنون که من از این دنیا می روم، تو ۱۲ کرور «دریک» زر در خزانه داری و این زر یکی از پایه های نیرومندی تو می باشد؛ زیرا توانایی پادشاه تنها به شمشیر نیست، بلکه به ثروت نیز هست. البته به یاد داشته باش که تو باید به این ذخیره بیفزایی نه اینکه از آن بکاهی. من نمی گویم که در زمان نیاز از آن برداشت نکن، زیرا این زر در خزانه برای آن است که در هنگام خواستاری و نیاز از آن برداشت شود، اما در کمترین زمان آنچه برداشتی به خزانه برگردان. مادرت اتوسا بر من حق دارد، پس پیوسته وسایل خشنودی خاطرش را فراهم کن.

ده سال است که من سرگرم ساخت انبارهای غله در نقاط مختلف کشور هستم. من روش ساختن این انبارها را که با سنگ ساخته می شود و به شکل استوانه است، در مصر آموختم؛ چون انبارها پیوسته تخلیه می شوند، حشرات در آن بوجود نمی آیند و غله در آن چند سال می ماند، بدون اینکه فاسد شود. و تو باید پس از من به ساختن انبارهای غله ادامه دهی تا اینکه همواره خوراک دو یا سه سال کشور در انبارها موجود باشد. هر ساله پس از اینکه غله جدید بدست آمد، از غله موجود در انبارها برای تامین کمبود خواربار بهره ببر و غله جدید را پس از اینکه برداشت شد، به انبار ببر و به این ترتیب تو هرگز برای خوراک مردم در این کشور دل نگرانی نخواهی داشت، مگر اینکه دو یا سه سال پیپی خشکسالی شود.

هرگز دوستان و ندیمان خود را به کارهای کشوری مگمار، برای آنها همان برتری دوست بودن با تو کافی است، چون اگر دوستان و ندیمان خود را به کارهای کشوری بگماری و آنها به مردم ستم روا دارند و بهره ی ناراست نمایند، نخواهی توانست آنها را به پادافره (مجازات) برسانی، چون با تو دوست هستند و تو ناچاری که جانب دوستی شان را نگه داری.

کانالی که من می خواستم بین رود نیل و دریای سرخ بوجود بیاورم، هنوز به پایان نرسیده و به پایان رسانیدن این کانال از دید بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد و تو باید کانال را به انجام برسانی و درآمد رفت و آمد کشتی ها از آن کانال نباید چنان سنگین باشد که ناخدایان کشتی ها بهتر ببینند که از آن راه نروند.

اکنون من سپاهی بسوی مصر فرستادم تا در آنجا نظم و آرامش را برقرار کنند، ولی زمان نیافتم تا سپاهی به یونان بفرستم و تو باید این کار را انجام بدهی. با یک ارتش نیرومند به یونان یورش ببر و به یونانی ها بفهمان که پادشاه ایران این توانایی را دارد که جانیان و خونخواران جنگی را به سزای کردار ناشایست خود برساند.

سفارش دیگر من به تو این است که هرگز دروغگو و چاپلوس را به خود راه نده، چون هر دوی آنها بلای پادشاهی هستند و بدون دلسوزی دروغگو را از خود دورنما.

هرگز سرکردگانی دیوانی و اداری مالیات گیران را بر سر مردم خراب نکن. من برای اینکه آنان به مردم ستم نکنند، برای گرفتن مالیات، قانون درست کردم که این قانون تماس دیوانیان با مردم را خیلی کم کرده است و اگر این قانون را نگاهبان باشی، حکومتیان با مردم زیاد تماس نخواهند داشت.

افسران و سربازان ارتش را خشونت نگهدار و با آنها بدرفتاری نکن. اگر با آنها بدرفتاری کنی آنها نخواهند توانست رفتار متقابل کنند، اما در میدان جنگ تلافی خواهند کرد، ولو به قیمت کشته شدنشان باشد. و تلافی آنها این گونه خواهد بود که دست روی دست می گذارند و تسلیم می شوند تا اینکه وسیله شکست خوردن تو را فراهم نمایند.

امر آموزش را که من آغاز کرده ام ادامه بده و اجازه بده مردم بتوانند بخوانند و بنویسند تا اینکه دریافت و بینش آنها بیشتر شود و هر اندازه که دریافت آنها زیادتیر شود تو با اطمینان بیشتر و بهتر می توانی پادشاهی کنی.

همواره پشتیبانان کیش یزدان پرستی باش، اما هیچ کس را مجبور نکن که از کیش تو پیروی نماید و پیوسته به یاد داشته باش هر کس باید آزاد باشد که از هر کیشی که خواست و باور اوست پیروی کند. پس از اینکه من زندگی را بدرود گفتم بدن من را بشوی و آنگاه کفنی را که خود فراهم کرده ام بر من بیچان و در تابوت سنگی بنه و در گور بگذار. اما آرامگاهم را باز نگه دار تا هر زمانی که می خواهی وارد آرامگاه من شوی و تابوت سنگی مرا ببینی و بفهمی من که پدر تو و پادشاهی نیرومند بودم و بر ۲۵ کشور سروری و پادشاهی می کردم، اینجا مُردم و تو نیز مانند من خواهی مُرد، زیرا سرنوشت آدمی این است که بمیرد، خواه پادشاه ۲۵ کشور باشد یا یک خارکن و هیچ کس در این جهان باقی نمی ماند. اگر هر زمان که فرصت بدست می آوری وارد آرامگاه من بشوی و تابوت را ببینی غرور و خودخواهی بر تو چیرگی خواهد کرد و هنگامی که مرگ خود را نزدیک دیدی، بگو که آرامگاه مرا ببیندند و سفارش کن که پسر آرامگاه تو را باز بگذارد تا اینکه بتواند تابوت و جسد تو را ببیند.

زنهار! هرگز هم خواهان (مدعی) و هم داور (قاضی) مشو. اگر از کسی ادعایی داری، بپذیر که یک داور دادگستر آن را مورد رسیدگی قرار دهد و رای دهد. زیرا کسی که چنین کند، اگر دادگر هم باشد، ستم خواهد کرد.

هرگز از آباد کردن دست بر ندار، زیرا اگر دست از آباد کردن برداری کشور تو رو به ویرانی خواهد گذاشت. زیرا بنا بر این است که وقتی کشوری آباد نشود، بسوی ویرانی می رود. در آباد کردن، کندن کاریز و جاده سازی و شهرسازی را در رتبه یک برجستگی کاری بنه.

بخشش و سخاوت را فراموش نکن و بدان که پس از داد، برجسته ترین شایستگی پادشاهان بخشش

است و سخاوت؛ ولی بخشش تنها هنگامی باید به کار بیفتد که کسی نسبت به تو لغزش کرده، اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو گناه او را بخشش کنی ستم کرده ای، زیرا حق دیگری را پایمال نموده ای.

بیش از این نمی گویم و این گفته ها را در پیشگاه کسانی که غیر از تو در اینجا حاضر هستند گفتم تا اینکه بدانند پیش از مرگ، من این سفارش ها را کرده ام. و اینک بروید و مرا تنها بگذارید، زیرا بر این باورم که مرگم نزدیک شده است.

### سایت موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران راه اندازی شد

سایت موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران به آدرس <http://archaeology.ut.ac.ir> راه اندازی شد.

خبرگزاری میراث فرهنگی - گروه میراث فرهنگی - سایت موسسه باستانی شناسی دانشگاه تهران به آدرس: <http://archaeology.ut.ac.ir> راه اندازی شد.

این سایت جهت معرفی موسسه باستان شناسی، توانمندی ها، طرح های پژوهشی انجام شده و فعالیت های علمی اعضا موسسه راه اندازی شده است که شامل بخش های تاریخچه موسسه، موزه، پایگاه پژوهشی، کتابخانه، بانک سفال و اخبار موسسه باستان شناسی است.

## ماهنامه زرتشتیان آگهی می پذیرد

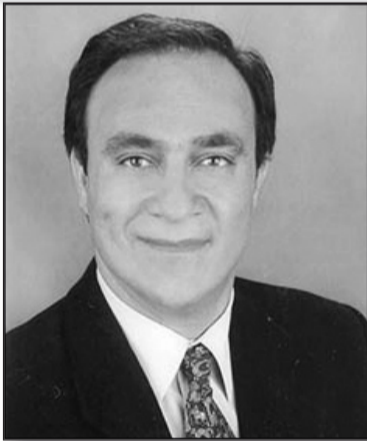
برای درج آگهی خود با شماره

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

و یا با پست الکترونیکی

[info@czcjournal.org](mailto:info@czcjournal.org)

تماس حاصل فرمایید.



## مهدی دهقان یزدی و همکاران

### از امروز به فکر فردای خود باشید

شخصاً  
املاک مسکونی شما را  
پس از خرید  
مجانیاً اجاره می دهیم و  
مجانیاً ۳ ماه مدیریت  
می کنیم

خرید و فروش  
املاک مسکونی  
Income  
Property  
در اورنج کانتی  
با کمترین هزینه

949.307.4330

[MAXMEHDI@HOTMAIL.COM](mailto:MAXMEHDI@HOTMAIL.COM)

[WWW.MAXMEHDI.COM](http://WWW.MAXMEHDI.COM)



## ارمغان دین زرتشت به تاریخ

به کوشی : مهزاد شهریاری

دین زرتشت کورش هخامنشی را به تاریخ ارمغان داده و هخامنشیان:

هردوت می نویسد: "مخترع پست و چاپار، ایرانیان دوره هخامنشی می باشند و هیچ انسانی به سرعت چاپارهای پارسی نمی توانست سفر کند.

هخامنشیان افزون بر آموزش چاپارهای ویژه، چاپارخانه هایی برپا کردند (با پژوهشی فاصله ای که یک اسب تندرو می توانست در روز پیماید برآورد شد) تا نامه های دولتی و غیردولتی را از مرکز تا نزدیک ترین چاپارخانه ای که چاپار آن آماده بر سر خدمت ایستاده بود می رساندند و او در دم به راه می افتاد و نامه را به چاپارخانه دوم، سوم، و .. می رساند از این روی چاپارها شب و روز در راه بودند.

سرعت، نوآوری و هماهنگی ای که ایرانیان برای رساندن پست ایجاد کردند شهرت جهانی دارد و جالب است بدانیم شعار پست خانه آمریکا از این گفته هردوت درباره چاپارخانه های هخامنشی گرفته شده است " برف، باران، یخبندان و تاریکی نمی تواند ما را از ادامه رساندن نامه و سفر خویش باز دارد."

چاپارهای ایران دوره هخامنشی فاصله تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتری از بندریونانی نشین افرو در ساحل مدیترانه در آسیای کوچک تا سارد مرکز ایالت لیدی و از آنجا به سوریه و بین النهرین تا شوش پایتخت هخامنشی را در ۱۵ روز طی می کردند.

همچنین رساندن سریع پیامها و گزارش های مهم که به راستی نوعی مخابره تلگرافی دیداری بوده در زمان هخامنشیان وجود داشته، بدین روی که از شوش و همدان به پیرامون کشور با فاصله های هماهنگ تپه هایی را برای مخابره بر می گزیدند و در جاهایی که تپه نبود خود ایجاد می کردند بر بالای آن نگهبان می گماشتند که در روز با نشانه های پرچم و دست و در شب با دود و آتش پیام های فوری را به تپه های دور برساند. نشانه های تپه هایی از آن تاریخ در نزدیکی تهران هم وجود دارد که از ری به سوی شرق و از شمال ورامین به ایوانکی می رود.

شیوه دیگر تلگراف آینه ای است که در روز با کمک آفتاب و در شب با چراغ و این روش تا سالها پیش در ارتش های جهان سوم بکار گرفته می شد. بدین روی که در پشت بام برج یا خانه های بلند نور می افروختند و با بستن و باز کردن سوراخ های آن برج گزارشات را به جاهای دیگر می فرستادند.

## شکسته

آن سوی صحرا پشت سنگستان مغرب  
در شعله های واپسین می سوخت خورشید  
و ز بازتاب سرخ غمگینش در این سوی  
می سوخت از نو تخت جمشید  
من بودم و رویای دور آن شبیخون  
و آن سرخی بیمار گون آرام آرام  
شد آتش و خون  
تاریکی و توفان و تاراج  
پرواز مشعل ها هیاهوی سواران  
موج بلند شعله  
تا اوج ستون ها  
فریاد ره گم کردگان در جنگل دود  
دود در آتش ماندگان بی حرف بدرود  
از هم فرو پاشیدن ایوان و تالار  
در هم فرو پیچیدن دروازه و دیوار  
بر روی بام و پله در دالان و دهلیز  
بیداد خنجر های خونریز  
غوغای جنگ تن به تن بود

اوج شکوه شرق گرم سوختن بود  
دود سیاهش بی امان در چشم من بود  
بر نقش دیواری در آن هنگامه دیدم  
تندیس پاک اورمزد افتاد بر خاک  
شمشیر دست اهریمن بود  
کم کم لهیب شعله ها کوتاه می شد  
شب مثل خاکستر فرو می ریخت خاموش  
در پرتو لرزان مهتاب  
سنگ و ستون های به خاک افتاده از دور  
اردوی سربازان خسته  
روح پریشان زمان اینجا و آنجا  
چون سایه بر بالین مجرمان نشسته  
بهتی به بغض آمیخته  
در هر گلی راه بر فریاد بسته  
چشم جهان ماه  
تا جاودان بیدار می ماند  
من باز می گشتم شکسته !



## فریدون مشیری

فریدون مشیری در سی ام شهریور ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد و در آبان ماه ۱۳۷۹ بر اثر بیماری چشم از جهان فرو بست.

مشیری شاعری توانا و صاحب سبک بود، شعر او به شکلی اصیل و نرم ریشه در شعر اصیل و کهن دارد گویی که او ادامه یی از جویباری ست که از دوران رودکی آغاز شد و در گذر از قرن ها از نیما عبور کرد.

مشیری در وادی شعر نیمایی موفق شد کارهایی را در کمال زیبایی و نرمش خلق کند و به عنوان یکی از شاعران مورد علاقه و احترام مردم مطرح باشد. شعر مشیری شعری نجیب، آرام، انسانی و عاشقانه است. رمانتسمی نرم با لایه یی از واقعگرایی از ویژگی شعر اوست. در زمینه سبک می توان خصائص سبک عراقی را در شعرهای او باز یافت. شعر مشیری شعرپست است که برای عموم قابل درک است.

## نیایش

آفتاب

که فروغ رخ زرتشت در آن گل کرده ست

آسمان

که ز خمخانه حافظ قدحی آورده ست

کوهسارت

که بر آن همت فردوسی پر گسترده ست

بوستان

کز نسیم نفس سعدی جان پرورده ست

همزبانان من اند

مردم خوب تو این دل به تو پرداختگان

سر و جان باختگان غیر تو شناختگان

پیش شمشیر بلا

قد برافراختگان سینه سپر ساختگان

مهربانان من اند

نفسم را پر پرواز از توست

به دماوند تو سوگند که گر بگشایند

بندم از بند ببینند که :

آواز از توست !

همه اجزایم با مهر تو آمیخته است

همه ذراتم با جان تو آمیخته باد

خون پاکم که در آن عشق تو می جوشد و بس

تا تو آزاد بمانی

به زمین ریخته باد !

## کسی نیست بیا در خود نگریم

- باید از فرصت کوتاه زندگی برای یافتن جاودانگی بهره برد  
- دنیا چیزی نیست که آن را واگذاریم دنیا چیزی ست که باید آن را برداریم  
- یادت باشه دیگران را ببخش نه به این علت که لیاقت بخشش تو را دارند بلکه به این علت که تو لیاقت آن را داری که آرامش داشته باشی  
- بخندیم اما سرمایه خنده ما گریه دیگران نباشد  
- یادت باشد که در آخر به او بگویی که دوستش داری



# پیر سبز چک چکو-یزد

## از کورش نیکنام

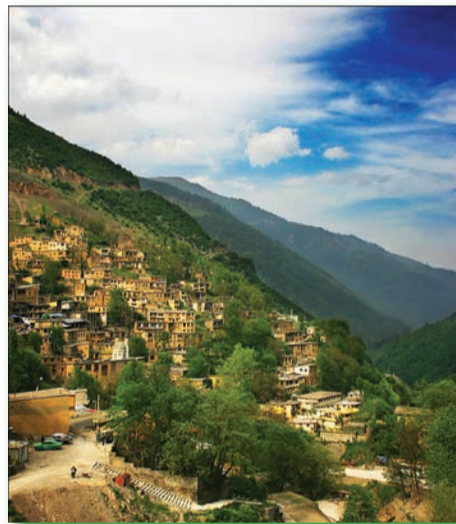
نیایش گاه پیر سبز که به آن «چک چکو» هم می گویند در فاصله حدود شصت و پنج کیلومتری شمال غرب یزد و در دامنه کوه آهکی چک چک واقع شده است. گردهمایی زرتشتیان در پیر سبز از روز اشاد در ماه خرداد (۲۴ خرداد ماه) شروع می شود و تا روز انارام به مدت پنج شبانه روز ادامه میابد. بسیاری از زرتشتیان از سراسر ایران و گروهی نیز از کشورهای دیگر در این زمان به نیایشگاه پیر سبز می آیند. پیر سبز در دامنه کوهی با شیب تند قرار دارد و برای رسیدن به نیایش گاه باید مسافتی از سرایشی کوه را بدون وسیله و با پای پیاده طی نمود.

خیراندیشان زرتشتی، ساختمان هایی را برای اقامت همکیشان خود در پیر سبز ساخته اند که خيله نام دارند. بیشتر شهرها و روستاهایی که زرتشتیان در آن ساکن هستند، برای اقامت خود خيله هایی در پیر سبز دارند. هر خيله، چند خانواده را می تواند در خود جای دهد. کسانی که قصد دارند بیش از یک روز در پیر سبز بمانند وسایل و خوردنی های مورد نیاز خود را با خود می آورند. مکان نیایش گاه بالاتر از خيله ها وجود دارد. این محل را در فرو رفتگی تراشیده شده، در سنگ کوه به وجود آورده اند و در دیواره سنگی یک سوی نیایش گاه محلی وجود دارد که روید نی هایی مانند پیر سیاوشان، مؤرد وانجیر کوهی رشد است و آب قطره قطره از شکاف سنگها برون می ریزد و در داخل حوض سنگی زیر آن ذخیره می گردد. در میان نیایش گاه محلی وجود دارد که روی آن آتشدانی قرار دارد و آتش در آن افروخته می شود تا نیایش کنندگان عود بسوزانند و کندر و چوب سندل بر آتش بگذارند و فضای نیایش گاه را از بوی خوش عطر آگین سازند.

زن و مرد و پیر و جوان، در هنگام نماز خواندن در گرداگرد نیایش گاه می ایستند. کلاه یا روسری سفید بر سر می نهند و بخش هایی از اوستا را زمزمه می کنند و خداوند جان و خرد را سپاس می گویند. پس از نیایش و ستایش اهورامزدا که در نیایش گاه انجام می گیرد، دید و بازدید و احوالپرسی خانواده ها ادامه می یابد.



در بعضی از خيله ها بزرگترها خاطرات افتخار آفرین گذشته ها را تعریف می کنند و به کوچکترها پند و اندرز می دهند و در برخی از خيله ها اندیشمندانی که در پیرسبز حضور دارند در موضوع های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و علمی سخنرانی می کنند و به کارگیری آموزش های پیامبر ایرانی اشو زرتشت را در زندگی سفارش می کنند. در برخی دیگر از خيله ها اربونه (دف) زدن و شادی کردن تا پاسی از شب ادامه می یابد.



## ماسوله

### از خبرگار ماهنامه

ماسوله، نمونه بارزی از این نوع زیستگاه تاریخی بشر است، که به عنوان یک اثر ملی در سال ۱۳۵۴ شمسی به شماره ۱۰۹۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. این شهر تاریخی، در طول عمر هزار ساله خود، در هماهنگی خارق العاده میان انسان و طبیعت. نمونه بارزی به شمار می آید. آمیزه ای از فرهنگ های سه گانه تالش، ترکی و گیلکی از یکسو و طبیعت های سه گانه جنگلی، مرتعی و کوهستانی، از سوی دیگر، فرهنگ و تمدن خاصی را به وجود آورده که اولین نمایه کالبدی آن، شهرسازی و معماری خاص ماسوله است.

این شهر تاریخی در وسعتی معادل ۱/۶ هکتار و در چهار محله ی خانه بر، کشه سر، اسدمحله و مسجدبر شکل گرفته است. دارای بازاری در چهار طبقه می باشد که هر چهار محله بطور مستقل به بافت بازار شهر ارتباط بی واسطه دارند. در حال حاضر در ماسوله بیش از ۳۵۰ واحد مسکونی وجود دارد که در گذشته (حدود صد سال پیش)، این تعداد به ۶۰۰ واحد بالغ می گردیده است. بیشتر خانه های شهر با آجرکاری های زرد رنگ و زیبا ساخته شده که در هنگام مه این ساختمان ها نمایان می نمایند معماری کوهستانی شهر زیبای ماسوله در جهان بی نظیر است بطوری که حیاط خانه شما در اصل پشت بام خانه همسایه تان می باشد. جمعیت ماسوله طی ۶۰ سال گذشته از حدود ۳۵۰۰ نفر به ۹۰۰ نفر کاهش یافته است. این امر نشانه سیر نزولی تاریخ این شهر کهن است. در ده های اخیر و به دلایل گوناگون هویت تاریخی فرهنگی و زیست محیطی این مجموعه نادر مخدوش شده است و وضعیت فعلی این بافت با ارزش در شأن شهرت قبل نمی باشد. با این همه شهرت و محبوبیت ماسوله در میان پنج شهر - روستای شگفت انگیز (ایبانه، کندوان، میمند و سرسید آقا) زبان زد خاص و عام است. شاید سالیانه چند هزار نفر مسافر از این شهر تاریخی و مناظر تاریخی و طبیعی آن دیدن می کنند. تمامی مسافرانی که علاقه مند به استفاده از مناظر طبیعی هستند در سه فصل بهار، پائیز و زمستان می توانند شاهد مناظری بدیع از طبیعت باشند. آنان که جویای فضائی آرام، ساکت و خلوت هستند نیز در این سه فصل ماسوله را بسیار مناسب خواهند یافت.



**CITY ART**  
INC.  
PUBLISHING • EVENTS • FRAMING  
WWW.CITY-ART.COM

**BOZ**  
ARTIST RECEPTION:  
Saturday, July 28, 2007  
7 PM to 10 PM

CITY ART GALLERY  
7733 Hayvenhurst Ave  
Van Nuys, CA 91406  
818 997 8300

SHOW:  
Sunday, July 29<sup>th</sup> - Friday August 3<sup>rd</sup> 2007  
Sunday, 4 PM to 8 PM  
Monday - Friday, 9 AM to 5 PM

Also by appointment:  
818-997-8300 x 111

Violinist, Oil on canvas, 72" x 61"  
front: Dance, Oil on canvas, 40" x 30"

## نمایشگاه آثار نقاشی بزرگمهر و خورشیدی

در سیتی آرت گالری  
در شهر ون نایز  
شنبه ۲۸ جولای ۲۰۰۷

برای آگاهی بیشتر با تلفن

City Art Gallery

818-997-8300

تماس بگیرید



GOOD THOUGHTS

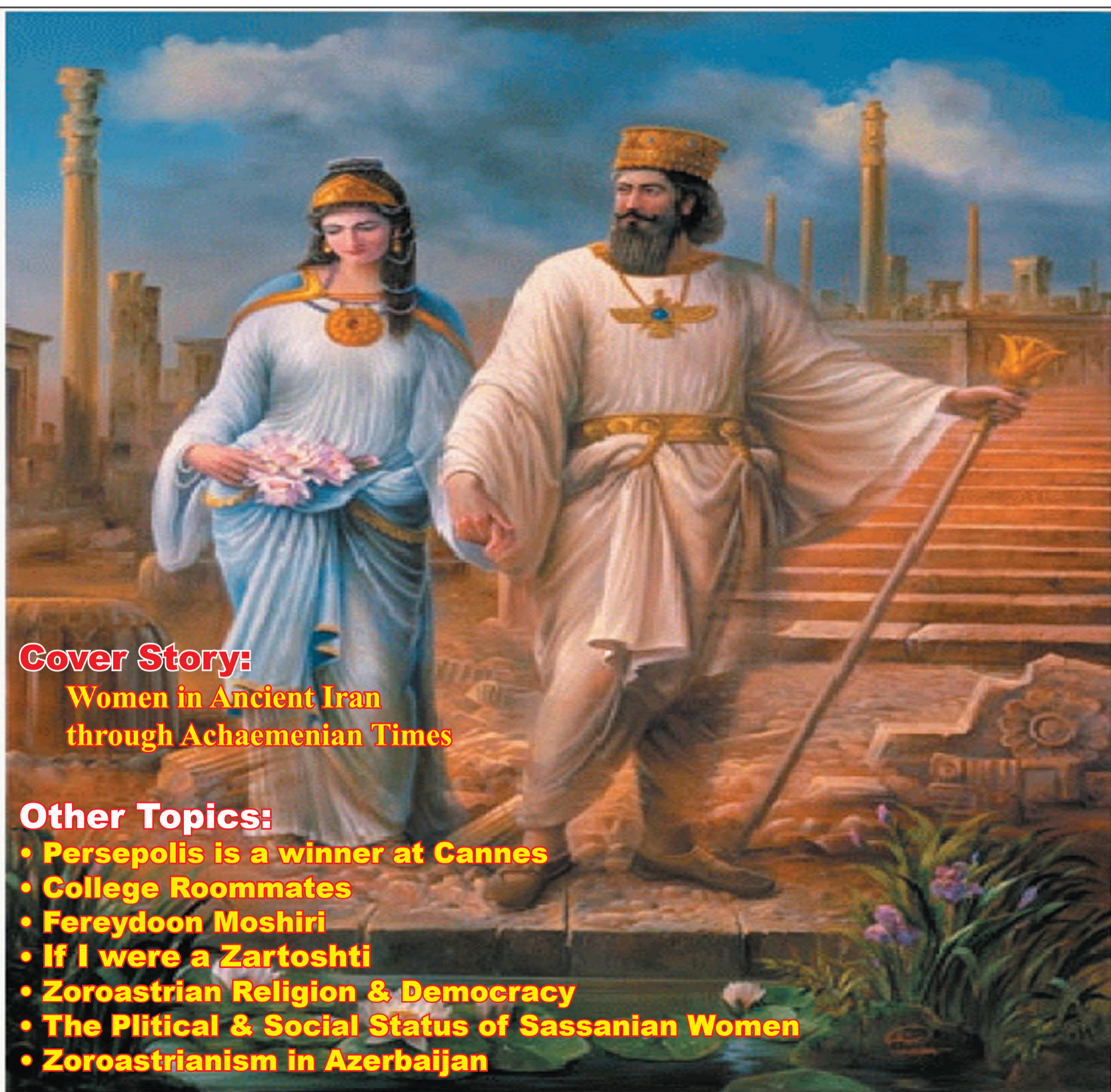


# The ZOROASTRIAN Journal

Volume II, Issue 2

California Zoroastrian Center

Summer 2007/3745 Zoroastrian Calendar



## Cover Story:

**Women in Ancient Iran  
through Achaemenian Times**

## Other Topics:

- **Persepolis is a winner at Cannes**
- **College Roommates**
- **Fereydoon Moshiri**
- **If I were a Zartoshti**
- **Zoroastrian Religion & Democracy**
- **The Plitical & Social Status of Sassanian Women**
- **Zoroastrianism in Azerbaijan**





CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

# The Zoroastrian Journal

Vol. II No.2

**Publish: Quarterly  
Summer 2007**

**Topics:**

Religions, Culture, Social,  
Science, History, News...

Senior Editors:

**Behram Deboo, Shahrooz Ash**

Chief Editor:

**Mehrdad Mondehari**

Director and Publisher:

**California Zoroastrian Center  
A Non Profit Organization**

**Board of Directors, Session 15**

Mr. Ardeshir Baghkhaniyan,  
Mr. Houshang Farahmand,  
Sohrab Khosraviani,  
Farshid Namiranian,  
Goodarz Bakhtiari,  
Kaweh Behizadeh

Typesetting &amp; Page layout:

**Hassan Alizadeh**

Printed By:

**LA WEB PRESS**

**Authors/Writers**

Armita Dalal,  
Dr. Ali Jaffary,  
Dr. Niaz Kasravi,  
Mahzad Shahriari,  
Behram Deboo,  
Shahrooz Ash,  
Dina McIntyre,  
Tehran Ghasri,  
Dr. Pallan Ichaporia,  
Roshan McArthur,  
Roya Waltman

Email: [info@CZCJournal.org](mailto:info@CZCJournal.org)

Tel: 714- 893-4737

Fax: 714- 894-9577

**WWW.CZCJOURNAL.ORG**

## **CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER**

8952 HAZARD AVENUE

WESTMINSTER, CA 92683

U.S.A.

**(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577**

[www.czc.org](http://www.czc.org)Email: [info@czc.org](mailto:info@czc.org)

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.  
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.  
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

‘Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.’ - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

‘Zoroaster was thus the first to teach the doctrines of an individual judgment, Heaven and Hell, the future resurrection of the body, the general Last Judgment, and life everlasting for the reunited soul and body. These doctrines were to become familiar articles of faith to much of mankind, through borrowing by Judaism, Christianity and Islam; yet it is in Zoroastrianism itself that they have their fullest logical coherence.’ - Mary Boyce, *Op. Cit.* (p. 29)





### COVER STORY

- Page 4** - Women in Ancient Iran through Achaemenian Times

### WORLD NEWS

- Page 5** - Persepolis is a winner at Cannes  
- 10,000 Years of Iran's Culture and Civilization

### KIDS CORNER

- Page 6** - What are the Gathas?  
- What do the Gathas say?

### YOUTH CAFE

- Page 7** - Zendegi  
- College Roomates

### LITERATURE

- Page 8** - Fereydoon Moshiri  
- Imitation of Life  
- I worship you

### GATHAS SECTION

- Page 9** - The Concept Of Asha in Zoroastrianism Part III  
- The Political and Social Status of Sassanian Women

### HUMANITY

- Page 10** - If I were a Zartoshti  
- Whos Life Would You Choose?

### History & Culture

- Page 11** - The Political and Social Status of Sassanian Women

### PHILOSOPHY

- Zoroastrian religion and democracy

- Page 12** **GENERAL**

- Zoroastrianism in the Sasanian Period  
- Temple of Anahita

- Page 13** - The Battle over 300 continues  
- Zoroastrian Generosity

- Page 14** - Sport: Soccer (Football)

## Editor's Note

By Mehrdad Mondegari

"Arash... Bobak... Ashkan..." The names of Persian graduates echo through the walls of the stadium. You can see the tears of joy in the eyes of loved ones as they eagerly await to present their graduate with flowers and balloons as a token of gratitude for the student's hard work. Both parents and their children have sacrificed a lot towards this process of providing the young adult a higher level of education. Naturally, parents are hard at work in order to enable what they believe to be the best for their children, yet it is only with their child's determination and academic successes that they proudly wear the cap and gown, and stand among the other graduates at such a time of commencement.

I remember as a friend of mine immigrated to the United States due to political changes in Iran. Soon after adjusting to the foreign American lifestyle, he chose to place himself in a highly competitive school-centered environment. Today, it was his name pronounced through the speakers of a very prestigious Ivy League University as he graduated with a doctorate degree in Medicine. Statistics have proven, and continue to show, a high percentage of Iranian immigrants holding an advanced degree (i.e. doctors, lawyer, engineers). This percentage is remarkably high in comparison to other immigrants or even natural Americans themselves. Perhaps this is due to their civilized Persian roots and heritage. The Per-



sian heritage, characterized by Arian descent, resembles some of the greatest warriors and ultimate leaders who promoted the ideology of good thoughts, good words and good deeds. Our Prophet, Zoroaster, speaks of the same ideals. Zoroaster wrote in The Gathas, which is the only part of the Avesta in which he wrote, of the importance of nourishing and the significance of training the mind. Thus, we must all stand proud of the young adults of this generation as they too have followed the thoughts of Zoroaster and have found it vital to educate and provide for their minds. We must protect our rich Persian heritage with our customs and beliefs. By choosing Persian names for our children and continuing the study of Iranian languages, Iranian history, and Iranian holidays we can still offer a Persian lifestyle for the next Persian-American generation and the generations to follow. We must protect our name, our thoughts and our ideals. God bless those who have sacrificed and those whom have struggled to keep their Persian roots. We must all do the same and together we can hold our Persian ideals to an intangible, higher esteem.



## Special Thanks To our Sponsors

Profesor Soroosh & Mrs. Shirin Sorooshian  
Dr. Sohrab & Mrs. Mahin Sassani

For their Generous Donation



## Women in Ancient Iran through Achaemenian Times

By Dina G. McIntyre.

We do not have extensive direct evidence, from Iranian sources, of what life was like in ancient Iran, in large part because of destructive major invasions that occurred around 331 BC and 647 AD. Most of the information we now have was written by those who were the enemies of Iran, and thus are slanted by their own cultural and political biases. But some ancient Iranian texts do remain, which have now been supplemented by archeological evidence, from which we can glean bits and pieces of what life was like for ancient Iranian women through Achaemenian times.

— attributes of Ahura Mazda — which Zarathushtra thought his daughter capable of attaining, along with all the living.

On this same occasion, he gave the following advice to all the brides and grooms who were then getting married: “Let each of you try to win the other with [asha]....” Y53.5. The meaning of “asha” includes the truths of mind and spirit -- all that is true, good, beneficent, (generous), and right. This is great advice for any relationship. But it tells us that in Zarathushtra’s view, the marriage relationship is not one of domination / subservience, but of



The earliest textual evidence comes from the Gathas of Zarathushtra, which many scholars believe were composed around 1,100 BC or earlier. The Gathas demonstrate a happy equality between men and women in religious and personal relationships, as do other Avestan texts written a few centuries later. Zarathushtra named his daughter Pouruchista which means “full of illumined thought”; -- this from a man who considered good mind (vohu mano) to be a divine attribute. On her wedding day, he advised her “Do thou persevere, Pouruchista ..... To thee shall He grant the firm foundation of good thinking and the alliance of truth [asha] and of wisdom...” Y53.3 (Inslar translation throughout). According to Zarathushtra, “good thinking” “truth” and “wisdom” are divine attributes

partnership, with each spouse making the same effort to win the love and respect of the other with truth, goodness, generosity, and what’s right.

The later Yasnas are full of instances in which men and women are specifically mentioned together. An early Zoroastrian prayer starts with the words “Those men and women, both do we revere, whose every act of worship is alive with asha...” (I.J.S. Taraporewala translation). In an age when men worshipped gods by slaughtering animals (and possibly each other) in stone temples, Zarathushtra introduced the idea of men and women worshipping God -- side by side -- in the temple of life, by infusing His divine qualities into each thought, word and action.

In those ancient times (though sadly not

today), this equality of men and women in religion, extended even to the ritual. The Visparad mentions “... the saints of the ritual, male and female.” (Visparad 1.3; Mills translation in Sacred Books of the East, Vol. 31, page 335). And a much later text (the Aerpatastan and Nirangistan, as translated by S.J. Bulsara), speaks of women priests, indicating that when it was necessary for a priest to travel, such priestly duties were allocated between men and women priests (not necessarily husband and wife) in a way that harmonized with family responsibilities, so that neither priestly duties nor family responsibilities should suffer. The text states that as between two priests who are married to each other, if both have control over property and can manage wealth, then either one can travel to perform priestly duties. If only the man has control over property and can manage wealth, then the woman priest should travel to perform priestly duties. And if only the woman has control over property and can manage wealth, then the man priest should travel to perform priestly duties (pages 17 -- 18) -- indicating not only that women were priests, but that they had independent control over property, even after marriage. This text (written by Zoroastrian priests) also insists on a non-Zoroastrian woman’s right to practice her own religion without legal or physical persecution. It states that if a man converts to the Good Religion (the name Zoroastrians called their religion in the ancient world because of its emphasis on goodness), he should not force his wife to convert. He is not permitted to strike her, or stop supporting her, nor does she pass from the condition of being his wife, because she refuses to convert (page 40). Regrettably, it also suggests that the newly converted Zoroastrian husband should not sleep with his non-Zoroastrian wife (surely a subtle, but unworthy, effort to persuade the wife to convert!). Whether this suggestion was followed by such husbands, the text does not say.

This equality in personal relationships and religion, extended to governance as well. The Haptanghaiti, (a text close in time to the Gathas), prays: “..... May a good ruler, man or woman, thus assume rule over us....” Y41.2 (Humbach translation), indicating that in those ancient times, it was taken for granted that women could not only rule over tribes or nations in their own right (“...man or woman...”), but could be good, respected, rulers as well.

In the early 1900s, an archeological dig in Persepolis, the palace of Darius the Great, discovered hundreds of clay tablets (now known as the Persepolis Fortification Tablets) some of which are discussed in Brosius, *The Women of Ancient Persia*, 559 -- 331 B.C. These tablets included payroll records which showed that the numbers of male and female workers were “well balanced” (Brosius, page 182). Women were employed as both workers and supervisors, received the same rate of pay in wine, beer, grain or silver, as their male colleagues (pages 182, 153 -- 160), and received additional pay as mothers -- unfortunately with preferential treatment by one (but not all) employer, for a mother of boys (page 172, 178, 182). These tablets also show that women owned, and had full control over, their own estates throughout the empire, were involved in the manage-

ment and administration of these estates, disposed of their rents and income, employed work forces, paid taxes, and enjoyed economic independence. They had their own personal seals, and issued orders in the form of letters under seal, to various administrators (page 180). They had the legal right to act independently from their husbands (page 197), and participated in public feasts and in the social life of the Court (page 96).

Moving along to a few hundred years after Alexander’s invasion, Moulton, in his work “Early Zoroastrianism” (Lectures delivered at Oxford and at London, 1912) mentions the report of a foreign diplomat Tchang K’ien, who wrote in 128 BC that in Khorassan and Bactria he found two classes of population, the nomads, and the “unwarlike”. The “unwarlike” in Bactria who were agriculturalists, he describes as follows: “...there is no supreme ruler, each city and town electing its own chief. They pay great deference to their women, the husbands being guided by them in their decisions.” And Moulton concludes “...the agricultural population, dwelling among the nomads, reflects the features of the Gathas sufficiently well.” (page 85).

The freedom which women enjoyed in ancient Iran, is also depicted in the *Shah Nameh* where for example, Gordafried, the daughter of a garrison commander was described as “well versed and unrivalled in the arts of warfare.” When Sohrab laid siege to her father’s garrison, she challenged Sohrab to single combat, during which the tip of his lance caught her helmet, and her long hair streamed out as she rode, causing Sohrab to exclaim in astonishment: “If the women of Iran are so valiant, what must their men be like!” Similarly, Rustom’s daughter, Banoogoshab, was described (by her husband) as a knight in her own right. It is interesting that these legendary stories of women warriors are echoed factually in the Cambridge History of Iran which mentions that the women warriors of a Persian satrap, were introduced to Alexander at a banquet in Ecbatana (Vol. II, page 484). There is even mention (in the CHI) of a woman admiral in Achaemenian times, but I cannot at this time find a page reference for it.

In conclusion, it would be simplistic (and possibly inaccurate) to state that there were no differences at all between the treatment of men and women in ancient Iran. Unbiased evidence of life in ancient Iran is sparse. But what little remains to us, establishes that women were regarded as capable and respected equals -- an equality that in some ways is unequalled even today in the United States (for example, in matters of equal pay, the glass ceiling, as well as women rulers and priests). This evidence establishes that ancient Iranian women enjoyed an unusual degree of legal and social equality and freedom in making their life choices -- in worship, in entering the priesthood, in marriage, in owning and managing property, in ruling kingdoms, in earning livelihoods in the workplace, and even in warfare.



## 10,000 Years of Iran's Culture and Civilization exhibition opens at the NMI

The exhibition '10,000 Years of Iran's Culture and Civilization' opened at the National Museum of Iran (NMI) on May 28 in Tehran. The opening ceremony was attended by the Director of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization (CHTHO), Esfandiar Rahim-Mashaii, NMI director Mohammadreza Kargar and a group of ambassadors and cultural figures.

Speaking at the opening ceremony, Kargar said that a collection of 150 historical artworks discovered during recent excavations have been put on display for the first time. Kargar also gave a brief report on the National Museum's recent activities including its exhibits in Japan ('Glory of Persia') and Mexico ('Iran, a Symbol of Paradise'). He announced that an exhibition of Safavid artworks will open at the Louvre in October 2007.

The banner of Shahdad and a golden tablet of Darius are among the pieces on display. The exhibit will continue for a month

## Religious historians explore Zoroastrianism, the ancient Iranian religion at May 11 conference

According to most estimates, there are more than seven million adherents to Zoroastrianism in the world today, and yet this minority religion continues to be of great interest to historians of religion. Most experts consider the oldest Zoroastrian texts to have been composed some time between 2100 and 1700 BC. Zoroastrianism played a powerful role in the Persian empire of Cyrus, Darius and Xerxes, from 550 to 330 BC, and influenced the development of Judaism, Christianity, Islam, Manichaeism and other religions.

'Recent Research on Religion in Ancient Iran', organized by Bruce Lincoln, brought some of the world's leading experts to Swift Hall at the Divinity School, University of Chicago, on Friday, May 11. The conference featured three papers.

One of the leading translators of early Iranian religious literature, Jean Kellens, professor of Indo-Iranian languages and religions at the Collège de France, discussed his work when he presented 'Liturgy and the Dialectic of Souls'. Examining hymns from the Avesta, a collection of the oldest Zoroastrian sacred texts, Kellens focused on one of the more unique features of Zoroastrian thought - the soul. 'The soul is a very complicated entity,' said Lincoln, the Caroline E. Haskell Professor of the History of Religions in the Divinity School and the organizer of a Divinity School conference on this religion of ancient Iran. 'Zoroastrians theorize a great many spiritual components of the person, each one describing a different aspect of the self, and none precisely corresponding to the one rather simple but mysterious entity we call "the soul".'

Another scholar, Clarisse Herrenschildt of France's Centre national de la recherche scientifique, presented a paper that focused on the Zoroastrianism of Cyrus the Great and Xerxes. In her presentation, titled 'Considerations on the Inscriptions of Artaxerxes II', Herrenschildt focused on a watershed religious reform. During the reign of Artaxerxes, from 404 to 358 BC, two new gods were introduced, Mithra, a god of legal issues, and Anahita, a fertility goddess. Herrenschildt explored the context and motivation for this choice. 'Why were these new gods added?' said Lincoln. 'And what did it reflect of the politics of the time?'

Lincoln also delivered a paper that focused on Zoroastrianism under the Sassanian empire (226 to 651 A.D.), which followed the Arab conquest. In 'Anomaly, Science, and Religion: Treatment of the Planets in Medieval Zoroastrianism', Lincoln, who has examined texts in the Middle Persian language Pahlavi, explored the way the Zoroastrians during that time responded to cosmological questions that stood at the border of science and religion.

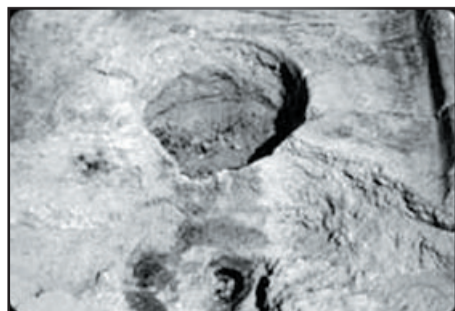
'In Europe in the 16th and 17th centuries, information regarding the peculiarities of planetary motion led Copernicus, Kepler and Galileo to challenge orthodox notions regarding the nature of the cosmos,' Lincoln said. 'More than a millennium earlier, the same date stimulated heated discussion in Sassanian Iran. Instead of pitting "scientific reason" against "religious faith", however, Sassanian intellectuals adapted existing beliefs to account for this new information, thereby avoiding a crisis in regard to the very foundation of knowledge.' Lincoln's paper explored how and why this idea was possible.

Though the conference's papers are from disparate periods and have widely varying subjects, Lincoln sees a connective theme. 'We're all concerned with the way in which religious sensibilities have influenced other aspects of ancient Iran - whether it's politics, culture, psychology, astronomy or astrology.'

## Ancient fire temple discovered near Qom

Explorations by a team of archeologists on a hill near the Iranian city of Qom have revealed an ancient fire temple. The unearthed structure is thought to be 3,000 years old and is believed to have been used by Zoroastrians as a place of worship.

Team leader Siamak Sarlak says the hilltop where the discovery was made is also the site of Qoli Darvish, believed to have been the largest city from Iran's Iron Age.



## Persepolis is a winner at Cannes



An animated movie about a girl's coming-of-age in post-Revolution Tehran has just won the coveted Jury Prize at the Cannes Film Festival. Persepolis, Marjane Satrapi's adaptation of her graphic novels (of the same name), apparently left jury president Stephen Frears in tears, and is creating quite a buzz in industry circles.

Satrapi, whose story is autobiographical, was nine years old when the Islamic Revolution transformed her native Tehran. Persepolis is the painful but often humorous account of her childhood. Brought up by her parents to be independent and inquisitive, the young Marjane watched as her world

changed under the new regime. She maintained an independent voice, buying Abba, Bee Gees and Iron Maiden records proudly, until her parents decided to send her, at age 14, to Vienna.

Later Satrapi returned to Iran to be with her family. She entered art school and even married. At 24 she left again, and today she lives in France, having accepted that she cannot be in her home country. Hence the movie's initial release in French, with voices provided by Catherine Deneuve and her daughter Chiara Mastroianni.

Persepolis, co-directed with fellow illustrator Vincent Paronnaud, is animated predominantly in simple black-and-white drawings, with a rock 'n'roll soundtrack of classics like 'Eye of the Tiger'. It has just been released in France (at Cannes) and is soon to hit Belgian theaters. The US release by Sony Pictures Classics is pending dubbing into English.

'I observe with some sadness,' says Satrapi of the film's release, 'that five years after publishing my book Persepolis, my country is still, indeed more than ever, in the spotlight. Persepolis has become not just about me telling my story. It is universal, immediate and necessary.'

## Tajikistan seeks the return of Oxus Treasure

Once again the British Museum in London is being asked to return artifacts to their country of origin. In addition to the dispute over the Elgin Marbles taken from the Greek Acropolis, the Museum is now being asked by the president of Tajikistan to return a collection of gold and silver objects taken from the north bank of the Oxus River 130 years ago.

The so-called Oxus Treasure was excavated near the border of Afghanistan, and dates back to the fourth and fifth centuries BC in the ancient land of Bactria. It is said to be the most significant collection of Persian metalwork from the Achaemenid empire (550-330 BCE).

The collection found its way to Britain when, in 1877, bandits attacked merchants who were traveling from Kabul to Peshawar. A British officer stepped in and rescued the



merchants, who then sold him a gold amulet. Further pieces, totaling 170, were sold in a Rawalpindi bazaar to British administrators.

President Imamali Rakhmonov was visiting the site of the discovery in April and asked officials to look into the Treasure's return. However, Davlatkhodja Dovdi, professor of history at Tajikistan's Institute of Archaeology, believes that, even though there is no doubt it is of Tajik origin, there is no need for the Treasure to be returned.

The British Museum is waiting for a formal request from Tajikistan, but has stated that their guiding principle (of presenting world culture to visitors) would dictate against the collection being returned.



### What are the Gathas?

- The Gathas are the hymns composed by the Prophet Zarathushtra himself.
- The Gathas consist of 17 songs and 241 stanzas.
- The Gathas are very old. They may be as old as 4000 years!
- The Gathas are the only sacred part of the Avesta (the Zoroastrian scripture) because they are Prophet Zarathushtra's actual words.

From: [www.zoroastriankids.com](http://www.zoroastriankids.com)

### What do the Gathas say?

- There is only one God, Ahura Mazda (the Wise Lord), who has created the world.
- Everyone has the freedom to choose between good and bad.
- To make the world a better place, one should be righteous, gain knowledge and protect the environment.
- Happiness comes to the person who gives happiness to others.
- Zarathushtra's Divine Message is for everyone.

From: [www.zoroastriankids.com](http://www.zoroastriankids.com)

### Activities:

#### Unscramble the following words:

Tahag:    \_ \_ \_ \_ \_  
 Dogo     \_ \_ \_ \_ \_  
 Vseaat   \_ \_ \_ \_ \_  
 Nivied    \_ \_ \_ \_ \_

Hint: you can find the answers hidden in the article in this page. Search for the bolded words.

#### Fill in the blanks

Gathas are hymns composed by \_\_\_\_\_.

\_\_\_\_\_ comes to the person who gives \_\_\_\_\_ to others.

The Gathas consist of \_\_\_\_\_ songs and \_\_\_\_\_ stanzas.

The Gathas are very \_\_\_\_\_.

Hint: to fill out the words, read the article

## Prayers\*

### Fravarti:

This prayer is the declaration of the faith.

'I am a worshiper of Mazda. I am a Zoroastrian worshiper of Mazda. I praise good thoughts, good words, and good deeds. I praise the good Mazda-worshiping religion given by Ahura Mazda to Asho Zarathushtra, that of all religions that have come and are likely to come, is the greatest, the best, the most excellent.'

### Jokes, Riddles and Tongue Twisters Just for Kids

A man went to visit somebody in the hospital.

As he was walking out, he met a friend who asked the man who he had been to the hospital to see.

The man who was leaving said to his friend:

'Brothers and sisters, I have none,  
 This man's father is my father's son.'

Who did the man visit in the hospital?

Q: What do you call a fairy that hasn't taken a bath?

A: A Stinkerbell.

Q: Why didn't the hot dog star in the movies?

A: The rolls weren't good enough.

Q: Have you heard about the restaurant on the moon?

A: Great food, but no atmosphere.

Q: What kind of music do bunnies like?

A: Hip-Hop.

Try these tongue twisters. Say these phrases seven times and as fast as you can:

1. Unique New York

Toy Boat

She sells sea shells by the sea shore

2. Betty Botter had some butter,

'But,' she said, 'this butter's bitter.

If I bake this bitter butter,

It would make my batter bitter.

But a bit of better butter,

That would make my batter better.'

So she bought a bit of butter -

Better than her bitter butter.

And she baked it in her batter;

And the batter was not bitter.

So 'twas better Betty Botter

Bought a bit of better butter

**GOOD THOUGHTS,  
 GOOD WORDS,  
 GOOD DEEDS**



## Zendigi

Plagued by pointless political debates, repetitive music videos, and often unexciting talk shows, Persian Satellite Television has not had much to offer millions of potential young viewers until now. Every Monday night [11pm EST], hundreds and thousands of young Persians have been tuning in to watch Zendigi, a show geared towards the new second-generation audience.

Proclaiming itself to be the 'most watched Persian Satellite Television show', Zendigi fills a void in Persian television and homes alike. The show focuses on arguments and conversations usually held privately in Persian households. Zendigi succeeds in doing what is rarely accomplished by other Persian TV shows: creating a sense of community amongst its viewers, both young and old. Thanks largely to its charismatic and humorous host Tehran Ghasri, Zendigi is a very addictive and intuitive show.

As unique as his name, Tehran literally 'makes' the show. The entire show consists of nothing more than Tehran answering phone calls, his personal rhetoric, and the occasional co-host. However, this simple equation adds up to some of the best times to be had on Persian Satellite. More impressively is Tehran's unique mix, being Black American and Iranian, and his ability to read, write, and speak Farsi fluently.

He relates to his viewers by constantly speaking in 'Fenglisi', a combination of Farsi and English often spoken by young Iranian Americans who have been raised here in the US. Use of this language helps young viewers not to feel alienated and bored, as they so often do when watching other Persian shows. Testament to this fact is the number of parents calling in to thank Tehran for helping them keep their kids interested and in tune with Persian culture and community.

Though the formula remains the same for every show, each week there is a different kind of flare and excitement to be found. Zendigi starts with an introduction to the show, rules for those who call in, his Persian word of the week, a Persian phrase of the week, followed by a topic for discussion. As a special treat, Tehran interviews a 'real' celebrity every week, ranging from T.J. Houshmanzadeh to T.I. Topics include love, education, sex, and money. And because the show manages to attract an audience consisting of both parents and kids, the discussions become not only interesting, but also a means of building bridges between Iranian parents, most of whom have emigrated from Iran, and first or second generation youth born abroad.

The truth is everyone who tunes in can't help but form an immediate connection with Tehran. Parents love his sincerity, teenagers love his humor, kids love his energy, and everyone admires his dedication to community and progress. For all the things that Tehran does, he stays away from religion and politics. 'The purpose of the show is to unify not divide,' says Tehran. 'I just talk about real issues and make real observations,' says the 24-year-old.

This article is just as much about Tehran the person as it is about Zendigi the show. The two are indistinguishable, hence the show's nickname, 'The Tehran Show'. Tune in Monday nights to Rangarang, or watch online at rangarangtv.com. If you're on My Space or Facebook, you can contact him by doing a keyword search for Tehran.

## ZSC: The 'S' Stands for Sports

By Tehran Ghasri

Concepts of unity and camaraderie run rampant throughout the Zoroastrian community. With events that constantly promote harmony, the ZSC is becoming a social pillar attracting old and young alike to come together in brotherhood. ZSC stands for the Zoroastrian Sports Committee, a group of volunteers assembled to coordinate sporting events for the Zoroastrian Community. Founded by Mr. Bijan Khosraviani and other Zoroastrian members in 1988, the ZSC serves as the original and official sports committee of FEZANA (the Federation of Zoroastrian Associations of North America). The first ZSC Games were held in Los Angeles, California, in the summer of 1988 with less than 100 staff and participants. Today the ZSC is responsible for several sporting events, culminating in last summer's 10th Zarathushti Games which boasted over 400 participants alone.

This Labor Day weekend, the ZSC will host the 5th Zarathushti Unity Cup Soccer Tournament, which is currently taking applications. ZSC events always serve as great places to meet and greet others in the community. 'The events keep getting bigger and bigger,' says Treasurer Behnaz Dianat. This year's soccer tournament alone is expecting hundreds of participants and spectators of all ages, arriving from all over the world. The events themselves promote sportsmanship and a bigger sense of community. The goal is to promote unity and friendly competition among Zoroastrians. By tradition, the ZSC is reputed for making everyone feel welcome. I can attest to that, as this past summer was my first time attending a ZSC event. I felt so welcome that I accepted to serve on the ZSC board. The Committee itself is comprised of a number of other dedicated volunteers. For more information on the ZSC and how to donate or participate please visit [www.zatheletics.com](http://www.zatheletics.com).

See you in September for the 5th Zarathushti Unity Cup in beautiful Redondo Beach, California!

## College Roommates

By: Shahrooz Ash

Yesterday I went to visit two of my classmates, who live together on a college campus in a two-bedroom apartment. Their names are Asha and Druj. When the two of them first met, they were under the impression that they were compatible in thoughts, words and deeds. So they decided to become roommates. Unfortunately, once they got to know each other in the same environment, they noticed that they were not compatible. So, they can no longer co-exist together.

It is important for Asha to resolve this issue soon because Druj is preventing him from reaching his goals in terms of his education. Asha is concerned because this may affect him in a negative way.

Asha studies constantly to enhance his knowledge and wisdom, and his education comes first on his list of priorities. He is very eager to expand his good thoughts. Druj does the opposite of what Asha does. He never wants to study, and as a consequence will not develop good thoughts. Druj is always staying out late, drinking, inviting people to the apartment for parties and playing loud music. If Asha is to achieve his best, in his studies, then he needs peace and order in his environment.

Asha has a second issue with his roommate. When Asha's friends and family are at the apartment, Druj constantly uses rude language, and this kind of behavior makes Asha and his guests feel uncomfortable. Druj chooses to use bad words, while Asha chooses the opposite, good words.

The final act which the two struggle over is this. Asha purchases sandwiches every Saturday morning at wholesale prices from downtown. Then he takes the sandwiches to homeless people every Sunday morning and feeds them. But Druj and his friends eat over half the sandwiches every Saturday night, while they get drunk partying. Asha is displeased because this kind of behavior reduces the number of sandwiches for the homeless. Asha wants to help as many homeless people as possible. His commitment to this good deed is always being resisted by his roommate Druj.

Asha and Druj do not agree in thoughts, words and deeds. Asha is always trying to progress his mind, and he wants to increase his knowledge. He wants to expand his wisdom because he believes wisdom radiates divine happiness to others and himself. Druj on the other hand, has become Asha's antagonist. Druj displays strange behavior, makes wrong choices, and is becoming mentally regressive. In fact, he wants the destruction of everything that is important to Asha. Asha has realized Druj's intentions. Because of this, Asha is left with no other option than to declare his own resistance against Druj. This means, Asha is forced to fight Druj to the bitter end. And may the best man win.

### www.Guliranpur.com

**Gul Iranpur's ONLY Buyer Protection Plan**  
Buy Any One of Our Listings and If YOU Are Not Satisfied in 18 months  
"WE'LL SELL IT FOR FREE!"  
**1-888-357-8343**

<p><b>Why Guliranpur.com?</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Buyer Protection Plan</li> <li>• Guaranteed Sale</li> <li>• Cancellable Contract</li> <li>• Team System</li> <li>• Multiple Websites</li> <li>• V.I.P. Buyer Service</li> </ul>	<p><b>ATTENTION FIRST TIME BUYERS</b></p> <p><b>Buy Any Home</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• With ZERO Down</li> <li>• ZERO Costs</li> <li>• Below Market Interests Rates</li> <li>• City Grants Available</li> </ul> <p>Call For Details I.D.# 1074 <a href="http://www.ZeroDownLoan4U.com">www.ZeroDownLoan4U.com</a></p>	<p><b>Cypress</b> 0% Down Better than new huge house with 3000 sqft. 5 Bedrooms and 3 baths one bedroom and one full bath downstairs. I.D.# 0123</p> <p><b>Corona</b> 0% Down Imagine moving your family into this Huge house with 5 bedrooms Master bedroom with retreat area Plus bonus room Useable 21000 lot size. I.D.# 0456</p> <p><b>Mission Viejo</b> 0% Down Beautiful Mission Viejo property. Seller has put in a lot of work into this home Seller is moving out of state. 3 Bedrooms and 2 Baths I.D.# 0320</p> <p><b>Lakewood</b> 0% Down This is a brand new construction walking distance to Lang Beach Towne Center Move into this home with your family and enjoy deferred maintenance and modern amenities of the house. I.D.# 0136</p> <p><b>Lakewood</b> 0% Down This is an end unit very small complex only 4 on a lot. Enjoy the beauty of walking down to town center I.D.# 4231</p>	<p><b>How To Use The I.D. # System.</b> Call 1-888-357-8343. Enter The I.D. # For Recorded Property Information. Speak to no Agent. -OR- View our properties 24 hours a day at: <a href="http://www.Guliranpur.com">www.Guliranpur.com</a></p> <p><b>Stop Foreclosure Now!!! • I.D.# 4321</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Behind On Payments</li> <li>• Get Your House Payments Under Control</li> <li>• How To Downsize To A Better Payment</li> <li>• How Not To Get Ripped On Refinance.</li> </ul> <p>For Free Information, Call Our Hotline. <a href="http://www.Stop4closureOnline.com">www.Stop4closureOnline.com</a></p>
--	--	---	---

Always Hiring Good People  
View Our Properties 24 Hours a day at  
**www.guliranpur.com**  
Minimize your risk.



(CA. DRE LIC. #01522214)  
\*Some conditions apply. Call for details

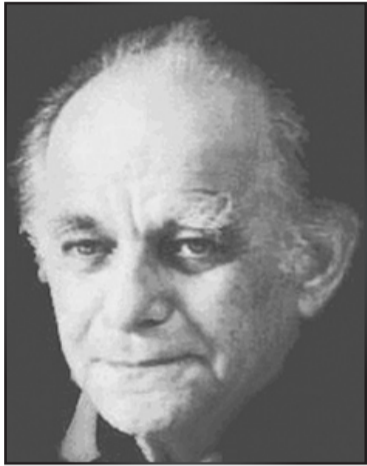
13017 Artesia Blvd., D116  
Cerritos, CA 907C3  
[Gul@guliranpur.com](mailto:Gul@guliranpur.com)  
**1-888-357-8343**



# Fereydoon Moshiri

## Imitation of life

By : Mahzad Shahriyari



Fereydoon Moshiri was born in August 1927 in Tehran, Iran. From an early age, he was attracted to the arts, especially literature.

Before he was a poet, Moshiri was a journalist. This profession, which he entered at the age of 15, acquainted him with such influential figures as Dehkhoda, Pourdavoud, and Mo'in. In fact, it was interviewing these major figures of Persian literature that enabled him, by 1956, to publish his first volume of poetry entitled Teshneye Toofan (Thirsting for the Storm). The path Moshiri took was the final objective of the originators of free style and poetry. He used rhymes in a rational manner, combining them with a new look at nature, objects and persons around him, along with a delicate feeling and sensation.

Moshiri married Eghbal Akhavaan, a student of painting at the University of Tehran - Faculty of Fine Arts, in 1954. They had two children, Bahaar and Babak, who graduated respectively from Universities of Tehran and Shahid Beheshti in Architecture. In October 1997, Moshiri read many of his best poems at a gathering at the University of California, Berkeley. He was a true writer, a researcher, a great editor and columnist for the poetry pages of many magazines and newspapers.

Moshiri had been suffering from leukemia and renal failure for almost five years and finally passed away in the early hours of Tuesday, 24 October, 2000 in the Tehran-Clinic hospital.

By REM

Charades, pop skill,  
Water hyacinth, named by a poet.  
Imitation of life,

Like a koi in a frozen pond.  
Like a goldfish in a bowl.  
I don't want to hear you cry.

That's sugarcane that tasted good.  
That's cinnamon, that's Hollywood.  
C'mon, c'mon no one can see you try.

You want the greatest thing  
The greatest thing since bread came sliced.  
You've got it all, you've got it sized.  
Like a Friday fashion show teenager  
Freezing in the corner  
Trying to look like you don't try.

That's sugarcane that tasted good.  
That's cinnamon, that's Hollywood.  
C'mon, c'mon no one can see you try.

No one can see you cry.

That sugarcane that tasted good.  
That freezing rain, that's what you could.  
C'mon, c'mon on no one can see you cry.

This sugarcane  
This lemonade  
This hurricane, I'm not afraid.  
C'mon, c'mon no one can see you cry.

This lightning storm  
This tidal wave  
This avalanche, I'm not afraid.  
C'mon, c'mon no one can see me cry.

That sugarcane that tasted good.  
That's who you are, that's what you could.  
C'mon, c'mon on no one can see you cry.

## Forever With You

Being with you,  
Near, far,  
Starving or well-fed,  
Free, captive,  
Full of sorrow or joy,  
The essence of my existence.  
A moment spent without you,  
May there never be!  
To die for your glory,  
By your side,  
The purpose of my death.  
The purpose of my life.  
Being with you,  
Always with you,  
Existing for you,  
The meaning of love.  
The pathway of my fate.

## Let not anger enslave me, Ahura Mazda

- \* Help me, Ahura Mazda, to bear with circumstances that provoke my anger.
- \* Give me patience and forbearance even under provocation.
- \* Let me forget offences committed by my neighbor against me.
- \* Teach me to forgive, as I would be forgiven.
- \* Enable me to take words of violence with equanimity.
- \* Let me not dwell upon the wrong done me.
- \* Let not harsh words of my opponent rankle in my heart.
- \* Let me disarm his anger by my affable disposition.
- \* Let me not be out of humor.
- \* Let me not wax wrath with anyone.
- \* Help me not to speak or do anything until the heat of my excitement is cooled and my anger has subsided.
- \* Let the fire of my anger be extinguished before it begins to burn.
- \* Help me to bridle my passion.
- \* Save me from the weakness of ill temper and help me to put a curb on it.
- \* Enable me to control my movements and let me always have a grip over myself.
- \* Keep me always in the best of tempers.
- \* Give me the calm repose of mind and a meek and mild spirit and a serene and unruffled temper, that I may master my anger, control it and conquer it and rule it, Ahura Mazda.

## I worship you

I worship you in every religion that teaches your laws and praises your glory.  
I worship you in every plant whose beauty reflects your beauty.  
I worship you in every event which is caused by your goodness and kindness.  
I worship you in every place where you dwell.  
And I worship you in every man and woman who seeks to follow your way of righteousness.

## It's Too Late

By Carole King

Stayed in bed all morning just to pass the time  
There's something wrong here, there can be no denying  
One of us is changing, or maybe we've stopped trying

And it's too late, baby, now it's too late  
Though we really did try to make it  
Something inside has died and I can't hide  
And I just can't fake it

It used to be so easy living here with you  
You were light and breezy and I knew just what to do  
Now you look so unhappy, and I feel like a fool

And it's too late, baby, now it's too late  
Though we really did try to make it  
Something inside has died and I can't hide  
And I just can't fake it

There'll be good times again for me and you  
But we just can't stay together, don't you feel it too  
Still I'm glad for what we had, and how I once loved you

But it's too late, baby, it's too late  
Though we really did try to make it  
Something inside has died and I can't hide



The Michael Clifford Group  
Sotheby's  
INTERNATIONAL REALTY  
Ramin Ostowari/REALTOR®  
CA DRE #01322564  
Commercial & Residential Investment Services  
Specializing in Multifamily Apartments  
In-State & Out-of-State  
26010 Acero Street, Suite 200  
Mission Viejo, CA 92691  
Phone: 949.230.7231  
Fax: 866.773.1262  
Ramin.Ostowari@SothebysRealty.com

"When you want results and not just promises"

**GOOD THOUGHTS,  
GOOD WORDS,  
GOOD DEEDS**



# The Concept of Asha in Zoroastrianism (Part III)

By **Behram Deboo**

In this section, we will summarize the idea of Asha promulgated by Zarathushtra. Asha is interwoven with the whole universe and every thing that exists therein in any form or shape. The age of our planet, we are told by scientists, could well be over four to six billion years. With one glance at a dimly lit sky, we are overwhelmed with the enormity of its galaxies, stars and celestial bodies. In our attempts to visualize time and space, we seek to understand ourselves... our origin... our role in this stupendous universe and what the future holds for us.

Before we could be as we are today, we had to undergo cosmic, physical and social evolutions. This evolutionary process accords with the divine and physical order that is Asha. With Spenta Mainyu (the creative progressive intellect) and Asha, creation has come into existence. Ahura Mazda's Vohu Manah is a cosmic blueprint for Asha. On the human level, Zarathushtra tells us to realize Asha through Vohu Manah. Through these two aspects, we discover our humanity that separates us from divinity.

## Zarathushtra, Asha and Community

Zarathushtra had a vision of bringing physical, mental and spiritual happiness to humanity. He explicitly tells us his vision in Gathas. We find that in Y 43 of the Ush-tavaiti Gatha, the Gatha of illumination and happiness.

'Ushta ahmai yahmai ushta kahmai chit' means 'radiant happiness to him/her who provides radiant happiness to any one.' Ahura Mazda grants happiness to such a person (Y 43.1). So we cannot be happy unless others are happy.

We see in Y 43.2, in the same manner, all blessings will come to a man who strives for enlightenment and leads others into the blessed realm. May his knowledge grow every day throughout his long, joyous life with the most creative intellect (Spenshta Mainyu). Mazda created the superb wisdom of Vohu Manah (good mind) through Spenshta Mainyu and by means of Asha. In Y 43.3, Zarathushtra further affirms that, indeed, the man who teaches us the straight path to harmonious happiness will attain much sought goodness in this physical life on this earth as well as in the spiritual life... in the realms of truth (Asha) which is also the abode of Ahura Mazda. Such a sincere, noble devotee, O Mazda, becomes one with You. It means spiritual ecstasy where one becomes like Mazda in spirit. Zarathushtra prays to Mazda to come with His creative intelligence, power and good mind so that through their actions the living worlds will advance into righteousness (Gathas, Our Guide, by Dr A. Jafarey). During the time of Zarathushtra, there were many kings, lords and rulers. He believed that a community could not live happily if political and social injustice prevailed.

For this reason, Zarathushtra wanted these rulers to be the followers of Asha. This holds true in this modern era also. The past and present history of many people in the world is full of social injustice, agony and suffering. After the last world war, there was a feeling that we would learn from the senseless destruction of life and properties, endless pain and misery, to cope with strife and bring forth a peaceful solution. Yet, this has not happened. For that reason, the world needs Zarathushtra's teachings more now than ever. He exhorts us to follow the path of truth, cultivate good mind and choose the creative intellect to establish an ideal society (haurvatat) where personal character, integrity of businesses, right thinking of politicians, honesty of public officials, and truthfulness of clergy play a vital role in achieving that goal. This leads to the idea of ethics where Asha becomes personal and public righteousness. It would be proper to quote Y 48.5 – 'May good rulers and not evil rulers, rule over us with actions of good understanding and serenity. Giving health and happiness in life is the best for a man who works for the living world in order to increase the splendor' (Dr A. Jafarey). What a wonderful idea!

In this world, there has been violence in the past and present. Just as Zarathushtra addressed it then, it could be done today also. With regards to violence, Zarathushtra says in Y 48.7, 'Put down fury, check violence, you who wish to strengthen the promotion of good mind through righteousness (Asha), because a progressive man is associated with this. God, his associates are in Your abode' (Dr A. Jafarey). It means that people who promote this living world into a joyous place to live are rewarded the domain of Ahura Mazda. I would like to illustrate the example of Asha that Cyrus the Great and Darius used in their inscriptions, the former on the cylinder which is considered the First Charter of Human Rights and the latter at the Behistun and Naqshe Rustom.

## Here is what Cyrus says:

'Now that I put the crown of the kingdom of Iran, Babylon, and the nations of the four directions on the head with the help of Mazda, I announce that I will respect the traditions, customs and religions of the nations of my empire and never let any of my governors and subordinates look down on or insult them while I am alive [it indicates secularism and a form of Republic Democracy under a monarch]. From now on, till [Ahura] Mazda grants me the kingdom favor, I will impose my monarchy on no nation. Each is free to accept it, and if any one of them rejects it, I never resolve on war to reign. While I am the king of Iran, Babylon, and the nations of the four directions, I never let anyone oppress any others [that is what a part of Yatha Ahu Vairyō

prayer says], and if it occurs, I will take his or her right back and penalize the oppressor. 'And while I am the monarch, I will never let anyone take possession of movable and landed properties of the others by force or without compensation. While I am alive, I prevent unpaid, forced labor. Today, I announce that everyone is free to choose a religion [freedom of religion]. People are free to live in all regions [freedom of mobility] and take up a job provided [freedom of choice to follow a profession] that they never violate other's rights. 'No one could be penalized for his or her relatives' faults. I prevent slavery and my governors and subordinates are obliged to prohibit exchanging men and women as slaves within their own ruling domains. Such traditions should be exterminated the world over [no slavery; thus Cyrus abolishes the system of slavery where human beings were exploited by other kings of that time].

'I implore to [Ahura] Mazda to make me succeed in fulfilling my obligations to the nations of Iran [Persia], Babylon, and the ones of the four directions.' Moreover he ordered his troops not to loot, rape or destroy property and issued severe punishment for disobeying the order. Cyrus was, indeed, a follower of Asha and a true Zoroastrian. Darius in the Zoroastrian spirit says: 'I am not a Lie-follower; I was not a doer of wrong - neither I nor my family. According to righteousness, I conducted myself.' At Naqshe Rustom, he says: 'I, by the favor of Ahura Mazda, am such a sort that I am a friend to the right, I am not a friend to wrong [Darius almost sounds like Zarathushtra in the Gathas]. It is not my desire that the weak man should have wrong done to him by the mighty; nor is that my desire, that the mighty man should have wrong done to him by the weak (ref: Old Persian Grammar Text and Lexicon by Kent).

Asha, among many things, also symbolizes justice. Proper justice in a democratic society is of utmost important. Our knowledge is increasing by leaps and bounds in all areas for the betterment of our society whether it's in health, science or technology. We read in our newspapers that DNA technology has freed many innocent men who were incarcerated on false charges. We also read about miraculous remedies for unbeaten ailments. This is possible due to Spenta Mainyu (the creative progressive intellect), Vohu Manah (good mind) and Asha. Thus, the progress we have been able to make is due to the endowment of these attributes of Ahura Mazda.

To conclude, I would like to add this beautiful verse (Y 60.2): 'Aha Vahishta, asha sraeshta daresma Thwa, Pairi Thwa jamyama, hamem Thwa hakhma.' The translation is: 'Through the best truth, (and) through the highest truth, may we have a vision of Thee, may we approach near to Thee, may we become one with Thee.'

From Page 12

## The Political and Social Status of Sassanian Women

### The Marriage Institution of Sassanians (MHD)

According to religion and law, monogamy was the rule for kings as well as commoners. However, kings, nobles and wealthy families, because of their wealth and power, had many consorts besides their main wives. The age a maiden married was from 12 to 15 and a young man from 15 to 20. There were five types of marriages recognized by law during the Sassanian era.

1. Patakshae marriage: A young girl married with the permission of her parents or guardians. She acquired the privileges of both houses, parents' and husband's.
2. The Khutsarae marriage: This was the case when a maiden (Kainina) married a man against the wishes of her parents. That meant she selected the groom. A slave cannot have such a choice, can she?
3. The Chakar marriage: When a widower married a widow or spinster, or a widow remarried. A widow could marry after four months and ten days. If she was nursing a baby, she had to wait for 18 months to remarry. This shows the liberal attitude of Iranians in comparison to other cultures where widows were considered bad omens and forbidden to take part in happy occasions. This was common among Hindus.
4. The Aevakin marriage: If parents had only one daughter, they gave her into marriage with a condition of adopting a son of hers as their own. A brother had a similar claim, and the inheritance was divided according to the law.
5. The Sutar marriage: If a male died unmarried or childless, his relatives provided an unmarried maiden with the necessary expenses to marry a man, after going through a religious ceremony with the deceased – on condition that a son would be given to the deceased family. This son would inherit the property of the deceased as well as that of his grandparents. There are other stipulations, which are too lengthy to discuss here. However, there were always equitable laws for Sassanian women.

Avesta literature, including Gathas, Haptanhaiti (Gathas of seven chapters), Ram Yasht, Avan Yasht and some Pahlvi writings, has given higher status to women. This would require another article for further discussion.

I would end with the Yenghe Hatam prayer that says it all: 'We revere all such men and women from among the living beings whom the Wise Lord knows as more excellent by the reason of their knowledge of the law of righteousness and practice of every act of devotion.'

### References:

1. Matkane Hazar Dadastan, by Dr Sohrab J. Bulsara
2. Zoroastrian Civilization, by Dr Maneckji Dhalla
3. Outlines of Parsi History, by Dr Hormazd Mirza
4. Iran, by R. Ghirshman



## Whose Life Would You Choose? Your Voice, Your Vote Matters

By Niaz Kasravi, Ph. D.

### The Issue

On April 18, 2007 the Supreme Court of the United States in *Gonzales v. Carhart*, for the first time since the landmark 1973 case of *Roe v. Wade*—which struck down state laws restricting abortion—began to chip away at a woman's right to choose. No matter which side of the abortion debate we agree with, it is important to keep up to date about the issue as it will have direct or indirect consequences on every one of us.

In *Roe v. Wade*, the Court overturned all state laws which outlawed or restricted abortions, deeming them violations of a constitutional right to privacy and the Due Process Clause of the Fourteenth Amendment. This decision allowed women to choose whether or not to have an abortion for any reason, up to the 'point at which the fetus becomes "viable"... able to live outside the mother's womb, albeit with artificial aid.'

'Viability' for fetuses has often been determined at 24 to 28 weeks of pregnancy. A critical point to note is that this decision allowed abortions to be available after the 'viability' period to protect a woman's health. This is where the *Gonzales v. Carhart* case diverges from *Roe v. Wade* and begins to prioritize an unborn fetus' life over that of the mother's.

This April, in a 5 – 4 decision, the Court upheld the Partial-Birth Abortion Ban of 2003 (these abortions are otherwise known as late-term abortions, performed in rare cases after the 21st week of pregnancy). Just seven years earlier, the Court—with a different composition of justices—had declared a similar Nebraska law unconstitutional. Their reason then: it did not include an exception to protect a woman's health in medical emergencies. These emergencies include damage to vital organs, severe blood loss, and loss of fertility. Women who face cancer, heart disease, high blood pressure, or who are at risk of stroke have most often had these rare late-term abortions performed.

### The Implications

First and foremost, this decision opens the door to rolling back a woman's right to choose, as determined by *Roe v. Wade*. The battle over abortion has now been taken into a new frontier. The other major implication is simple: up until today, every major court decision on abortion has recognized a woman's health as priority. From this day forth, the state has determined that doctors may not step in to save a woman from severe and potentially life-threatening medical complications by performing late-term abortions.

The implications of this decision really hit home when we personalize them. There exists a wide spectrum of theories: some think that life begins at the moment of conception and therefore abortions are seen as the killing of living beings; others believe that a life in its real form has not really begun until after delivery of a newborn; still others fall somewhere in the middle of these two views. You decide what you believe.

### Our Role

Though circumstances where late-term abortions are needed are rare, they do happen. The first thing we must do is to stay informed. Today, the media is filled with tragic news of war and death on an international scale. These issues are indeed important, but other matters impact our daily lives as well. It is easy to become desensitized and think that a Supreme Court ruling is not really important in comparison to what is going on in the rest of the world. Yet that ruling can have a deeper, longer-term impact on most of our lives. Undoubtedly, this particular decision affects us, our mothers, our wives, our sisters, our daughters and/or our friends.

When I first read this decision, as a woman, I thought: 'If one day my health and my life are gravely in danger due to pregnancy-related complications, the state has now decided that it will choose the unborn baby's life over mine.' This is not OK with me. We each have a right to determine our convictions; you might feel differently. What matters most is not that you are pro-choice or anti-abortion, but that you know what you believe. Whose life would you choose if you were faced with this situation?

So, you may ask, what changed in the last seven years that caused the Supreme Court to rule in opposition to its holding on similar issues in the past? The appointment of two new justices by President Bush (Chief Justice John Roberts and Justice Samuel Alito) and the resignation of one of only two women on the bench (Sandra Day O'Connor) drastically changed the composition of the Court, giving it a solid conservative majority needed to make this ruling possible.

When looked at from this perspective, the need to keep informed, determine our beliefs, and participate in the election process becomes evident. Every vote counts. Our elected officials make decisions on a daily basis, and those decisions will have a lasting impact on our lives. If we know what we believe, voting is the easy part.

To register to vote, please go to your nearest post office, library, or local elections office; or visit the website of the Secretary of State for your state.

## If I Were a Zartoshti

If I were a Zartoshti, I'd have an unwavering sense of pride in my heritage. I'd be a part of the oldest recorded religion. I'd know my faith has surpassed the test of time.

If I were a Zartoshti, I'd walk with my head held high. It was my forefathers who had the wisdom to first write down the most basic human rights. And it is that tablet that is admired daily at the United Nations.

If I were a Zartoshti, I'd never veer from thinking good thoughts, doing good deeds, and speaking good words. Not because I'm afraid of punishment, but merely for the sake of goodness itself. It is one of only a handful of things my faith asks of me.

If I were a Zartoshti, I'd do what I could to support my fellow Zartoshti. Being a minority wherever I am makes me understand there is strength in numbers – even in a minority of one. There is neither goodness nor strength in animosity.

If I were a Zartoshti, I'd be a most thoughtful, hardworking, and proud individual. I know because I'd be following the path of a prophet who lived precisely the same way.

Anonymous

## One Flaw in Women

Women have strengths that amaze men.  
They bear hardships and they carry burdens,  
but they hold happiness, love and joy.  
They smile when they want to scream.  
They sing when they want to cry.  
They cry when they are happy  
and laugh when they are nervous.

They fight for what they believe in.  
They stand up to injustice.  
They don't take 'no' for an answer  
when they believe there is a better solution.

They go without so their family can have.  
They go to the doctor with a frightened friend.  
They love unconditionally.  
They cry when their children excel  
and cheer when their friends get awards.  
They are happy when they hear about  
a birth or a wedding.

Their hearts break when a friend dies.  
They grieve at the loss of a family member,  
yet they are strong when they  
think there is no strength left.  
They know that a hug and a kiss  
can heal a broken heart.

Women come in all shapes, sizes and colors.  
The heart of a woman is what makes the world keep turning.  
They bring joy, hope and love.  
They give moral support to their  
family and friends.  
Women have vital things to say  
and everything to give.

However, if there is one flaw in women,  
it is that they forget their worth.  
They are our mothers, our sisters, our partners and our friends.  
Let's remind them how amazing they are.



## Zoroastrian religion and democracy

By Dr Ali A. Jafarey

This is how 'democracy' is defined by Webster's Dictionary: '[MF democratie, fr. LL democratia, fr. Gk dêmokratia, fr. dêmos (people) + -kratia -cracy (rule)] (1576) a: government by the people; esp: rule of the majority, b: a government in which the supreme power is vested in the people and exercised by them directly or indirectly through a system of representation usu. involving periodically held free elections.'

The history of democracy, as presented by Western scholars, only goes back to the people of Greek cities of the pre-Christian era. This is just a part of the story. The full fact is that regional elected councils are well documented in Indo-European, particularly the Indo-Iranian, societies and among other peoples of the world of greater antiquity. The point to note about the Greek, and the later Roman, city democracies is that 'ancient democracies did not presuppose equality of all individuals; the majority of the populace, notably slaves and women, had no political rights. Athens, the greatest of the city democracies, limited the franchise to native-born citizens' (Funk & Wagnalls New Encyclopedia, Vol.8, 'Democracy'). Nothing surprising! Women were granted the right to vote and hold government office in most democracies only in the first half of the 20th century.

What do the Guiding Gathas of Zarathushtra say? The very first song begins with 'Yatha Ahu', the Principle of Choice. In order to bring peace, prosperity, stability, progress and happiness to the living world, people are to select only competent persons who are able to free the world from mental and physical wrongs, and lead it to truth, precision, progress, wholeness and immortality.

Song 16, the last but one, is particularly dedicated to 'Vohû Khshathra Vairya', literally 'Good Domain Worthy-of-Choice'. It elaborates that a good government must be an elected one. It is then the best gain one can have. To serve a chosen government means to serve it best with devotion based on righteous deeds. It is for such a dominion, a world order that Zarathushtra rose to work for us, mankind. He founded the foremost democracy -- mental and physical, spiritual and material.

Contrary to the pyramidal structure of so-

ciety into professions/casts of a single superior top to the massive inferior bottom of serfs and slaves seen in the history of many doctrines, the Gathas profoundly present a doctrine of individual freedom of will and choice equally for all men and women. The Gathic division of human society is unique. It begins with the family living in a house that multiplies consequentially into settlements, districts, lands and finally the earth - all based on good thinking and precise procedure. This makes one realize the true democracy Zarathushtra expounded. The guiding leaders of all these units must be elected only on account of their competence, and that too by persons with 'good mind - Vohu Manah' and in the 'right - Asha' procedure.

By today's definition, it would mean that each and every person elected to office should be fully qualified for the office he/she is elected to. It would, in simpler terms, mean competent persons leading the house, settlement, district, land and the globe. On the governmental level, it would mean that all the candidates for presidency, home affairs, foreign relations, commerce, council, cabinet and all other offices, would prove their competence of quality and experience, to be elected for their particular posts. Every post would be filled by a person elected for his/her competence.

A close look at all the democracies in the world would show that mankind has still to work wisely and hard to reach the Gathic principle of 'Vohu Khshathra Vairya'. Zarathushtra prayed for it in the concluding stanza of his Sublime Songs:

'May the desired Fellowship come for the support of the men and women of Zarathushtra,

for the support of good mind, so that the conscience of every person earns the choice reward, the reward of righteousness, a wish regarded by the Wise God.'

Let us join him in his prayer and work to achieve his ideal 'Vohu Khshathra Vairya'.

'Both the lord and the leader are to be chosen because of their righteousness.

These two appointments are made with good mind so that acts of life are done for the Wise One, and the dominion of God is well established, in which the chosen person becomes the rehabilitator of the right-ful who are oppressed.'

## The Political and Social Status of Sassanian Women

By Behram Deboo

This article is a response to the implication made at a recent seminar (held at the Bowers Museum on April 21, 2007) by a graduate student that women during the Sassanian dynasty were slaves within its social structure. She quoted a reference book called Matikane Hazar Datastan (MHD) which I have in my library. The fact of the matter is I have found no reference to her quotation. With this premise, I will proceed to explain the real position of Sassanian women.

First of all, there is no evidence that women were treated as slaves, from the time of Zarathushtra to the end of the glorious Sassanian Empire that contributed so much in art, warfare and culture to the world. Of course there was a time, especially at the end of the empire, when kings, princes and noble families became corrupted, ruthless and greedy, each trying to take over the throne. It was during that time that two Sassanian women, Pourandokht and Azarmidokht, came to power and became empresses of Iran with the imperial powers that an emperor would have.

In Shahname, Ferdowsi tells a story of Homa Shahrzad, who ruled for over 32 years. Pourandokht was a daughter of Khushrow Parviz. Historical sources depict her as a wise, just and gracious woman. She believed in defending the land and ruled with justice by helping the farmers. After restoring the wood of the True Cross to the Byzantine Emperor, she became sick and died in Ctesiphon in 631 (Drs Browne & Mirza). Piruz, a distant cousin of Khushrow Parviz reigned only for a month. Azarmidokht, the beautiful sister of Pourandokht succeeded him. Her rule lasted six months as she was slain by Rustom, son of Farrok-Hormuzd, due to an internal dispute.

Sassanian women played polo, owned property and managed businesses. They fought in wars along with their men. Roman and Greek women were treated more like slaves than Sassanian women. Like Greek and Roman women, Sassanian women had guardians who could be fathers, elder brothers (if fathers had passed away) and husbands after marriage. (The Greek guardian was known as kyrios while the Roman one was pater familial.) Unlike Sassanian women, both Greek and Roman women had no political and economic rights. During the time of the Sassanian dynasty, marriage was considered a sacred and religious duty.



Roman women were not allowed to possess money. Adultery was common among the Romans. So was prostitution and having a concubine. In fact, in some cases, a Roman husband on the wedding night managed to sleep with another woman. Persians, Romans and Greeks valued the fertility of women as a highly desirable virtue. In Greece, women were bought and sold like cattle either for labor or lust. In the western world, Athens was considered as bastion of democracy. Unfortunately, there were more slaves in Athens than free men. Such a situation did not exist in Persia.

In the beginning, it was Persian custom for parents of the bridegroom to pay money to the parents of a bride to marry her. Later on, a dowry system came into existence where the parents of a bride paid money to the bridegroom's family. According to Christensen, there were a few slaves in the Sassanian era, but the king was forbidden to keep slaves in his employment. That explains why most labor was paid for.

There was a special allowance for pregnant woman, and the joint family received substantial help from the king for having many children, especially sons. In the case of a husband who died and whose son was of minor age, the Lady of the House was appointed to look after his interests (Ref: Namake Kar-Farman). Thus she was a guardian of the house and would share equally with him in family inheritance. The household was controlled by the Namano-Pathni (the Lady of the House) without interference from Namano-Paiti (the Lord of the House).

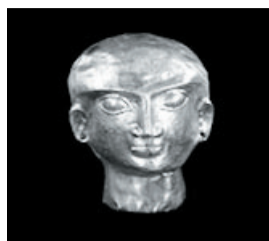
Moreover, the responsibilities of getting daughters married fell on her shoulders. She remained in her position as the executor of the family estate (MHD). If a father gave away property without the consent of the mother, the law would intervene, as it would deprive the family of their proper sustenance. Daughters had the same rights as sons until they married (MHD). There were laws of inheritance for them - a topic too long to discuss here. This indicates that Sassanian women were not slaves. A slave cannot act independently, inherit or become a guardian of the family.



Please see page 9



### Gold human head from the Oxus treasure Achaemenid Persian, 5th-4th century BC From the region of Takht-i Kuwad, Tajikistan.



This head is part of the Oxus treasure, the most important collection of gold and silver to have survived from the Achaemenid period. The treasure was found on the banks of the River Oxus and probably comes from a temple there. Most of the treasure dates from the fifth or fourth centuries BC, and many of the items are representative of what is described as Achaemenid court style, found throughout the empire and considered typical of the period.

### Cast silver statuette from the Oxus treasure Achaemenid Persian, 5th-4th century BC From the region of Takht-i Kuwad, Tajikistan.



This statuette is part of the Oxus treasure, the most important collection of gold and silver to have survived from the Achaemenid period. The treasure, probably from a temple on the banks of the River Oxus, dates mainly from the fifth and fourth centuries BC. The figure wears a Persian head-dress.

### Embossed ornament in the form of a lion-griffin, from the Oxus treasure Achaemenid Persian, 5th-4th century BC From the region of Takht-i Kuwad, Tajikistan.



This embossed ornament is part of the Oxus treasure. The treasure is from a temple and dates mainly from the fifth and fourth centuries BC. This piece, in the shape of a winged stag with a horned lion's head is decorated with hollows for inlay. There are two long pins at the back for attachment, though it is unclear what the ornament originally decorated. This composite creature reflects the 'Animal Style' of South Russia and demonstrates the close relations between the Persians and the

nomadic people of the northern steppe lands. The Persian kings had indirect access to the wealth and artistic traditions of northern Central Asia and Siberia, and some contacts are illustrated by this piece.

### Gold plaque from the Oxus treasure A Mede involved in a religious ritual Achaemenid Persian, 5th-4th century BC From the region of Takht-i Kuwad, Tajikistan.



This embossed ornament is part of the Oxus treasure, the most important collection of silver and gold to have survived from the Achaemenid period. The single largest component of the Oxus treasure is a group of about fifty thin gold plaques, of which this

is one. Ranging in height from under 3 cm to almost 20 cm, most have chased outlines of human figures. Like many of the other plaques, this shows a man wearing Median costume. He

has an akinakes (short sword) of a type depicted on reliefs at the Persian center of Persepolis and represented in the Oxus treasure by a fine gold scabbard. The man is sometimes identified as a priest because he carries a bundle of sticks known as a barsom.

## Temple of Anahita



In an attempt to nominate the Temple of Anahita for world registration, the Cultural Heritage and Tourism Department of Kangavar has allocated \$150,000 US to purchase its nearby lands. They have taken the initial steps toward preparing the ground for the registration of the Temple of Anahita, located at Kangavar in the western Iranian province of Kermanshah, in the list of UNESCO World Heritage Sites, by allocat-

ing some \$150,000 US for purchasing nearby areas.

'This budget has been considered for buying three pieces of land and four buildings,' said Saeed Doustani, director of the Cultural Heritage and Tourism Department of Kangavar. According to Doustani, some \$3,000,000 US is required to accomplish this project and expand the area of the Anahita Temple by releasing nearby areas.

Conducting excavations and restoration, as well as reorganizing and introducing this historical monument to the world, are among the programs of the Cultural Heritage and Tourism Department of Kangavar.

Some experts argue that the Temple of Anahita was built by the Achaemenid dynasty between 404-359 BC. It is the most important architectural remnant of the Iranian deity Anahita. Historic sources and archaeological evidence attribute this monument to the Achaemenian period. The Temple of Anahita, built on a rock platform overlooking the plain of Kangavar, is a huge building measuring 220 x 212 meters. The central rock platform is more than 30 meters high, and a platform reaching half as high has been created by erecting an 18.5 meter wide wall around it.

Square chisel-cut stones have been used in the facade of the monument. At the outer edge of the platform, 3.75 meter high columns featuring square pedestals and capitals stood 4.75 meters from axis to axis. The monument has a two-sided stairway on its southern front and a one-sided stairway at its northeastern corner.

For the first time in 1968 an Iranian team conducted some archeological excavations in the vicinity of the Anahita Temple. Later, residential areas around the site were purchased and leveled to expand the excavation area, to allow a comprehensive plan for the Temple. Eight seasons of archeological excavations were conducted in this area until 1975. Afterwards, some scattered excavations were carried out by Masoud Azarnoush, former director of the Archeology Research Center of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization, Mohammad Mehryarm, architecture and archeologist, and Ahmad Kabiri, archeologist.

### Zoroastrian academic achievements



1. Mr Khodadad Kaviani, PhD in education, Washington University
2. Mr Shahriyar Bahmani, PhD in law, Arizona University
3. Ms Shireen Bastani, Master's degree, National University, San Diego
4. Mrs Donya Ahourae, two Bachelor's degrees in economics and business, UC Berkeley
5. Ms Pantea Farahmand, Bachelor's degree in biology, UC San Diego
6. Ms Vanda Farahmand, Bachelor's degree in biology, UCLA
7. Mr Pouyan Azarshahri, Bachelor's degree in computer engineering, UC San Diego
8. Mr Artin Baghkhani, 2 Bachelors degree in business and political science, Cal State Long Beach
9. Mr Baback Waltman, Bachelor's degree in environmental science, UC Santa Barbara

### Youths who have entered top US universities with honors:

1. Ms Venus Vakhshouri, UCLA
2. Ms Yasmin Varjavand, USC
3. Ms Negin Shahrivini, Western Washington University
4. Mr. Arash Ashtari, UCLA
5. Mr Payam Goshtasbi, UC Riverside
6. Mr Shayan Mondehari, UC Irvine
7. Mr. Ryan Namiri Kalantari, UC Berkeley



**فردناهد ماندگاری**  
مشاور املاک

Fred Mandegari  
Realtor

Your Real Estate Consultant in Orange and Riverside Counties  
Contact me for Buying or Selling  
Houses, Condos, Estates, Income Properties, Commercial Building, Commercial Lease and Hospitality

**Cell Number: (949) 300-4195**

Email: [fredmandegari@firstteam.com](mailto:fredmandegari@firstteam.com)  
Log on for listing: [www.LiveInOC.com](http://www.LiveInOC.com)






## The battle over 300 continues

The movie 300, it seems, has not only offended Iranians. According to the Times of India in March, the movie, which was a massive box office success across the United States, has also upset Parsis in Mumbai.

Zack Snyder's depiction of the Battle of Thermopylae in 480 BC is, say Iranians, a gross misrepresentation of the Persian people, most notably King Xerxes of the Achaemenian dynasty. A Persian by birth, he is portrayed in the movie as a barbarian. The newspaper cites religious scholar Khojeste Mistree, who says, 'Yet again, we have another Hollywood blockbuster showing Hellenic triumph and glory. Clearly Hollywood moguls are products of Western culture, which is based on the values found in Greek history and civilization. Little do they realize the profound contribution that Zoroastrianism and the Magii [Zoroastrian priests] had on Greek philosophers such as Plato and Aristotle, and indeed, the religious thought of the time.'

According to Mistree, far from being barbarians, Achaemenian kings like Cyrus and Darius the Great were great advocates of human rights and religious tolerance. Other scholars back him up, saying that Xerxes was a generous and tolerant leader whose character has been distorted based on the whim of Hollywood film-makers.

The Times also quotes US-based Maneck Bhujwala, who says: 'Is it our current political antagonism towards Iran that encouraged the movie director to misrepresent Persians as monsters or was it total ignorance of history? The standing ruins of Persepolis, the palace of King Darius the Great, clearly shows elegant-looking carvings of King Xerxes I and Persian soldiers, that are nothing like the punk-rock looking character in the movie. And, the director is quoted as saying that he and his studio staff discussed calling the "bad guys" Zoroastrians instead of Persians in light of the political sensitivities. This is even worse, and most offensive to all Zoroastrians who follow the oldest monotheistic religion founded by Zarathushtra.'

## Zoroastrian Generosity

### The story of Shahvarahram Izad

By **Manijeh Deboo**

I am the fourth generation of Hormaz-Bahman and his wife Lal-Espandiar Varahramian, 'Ravan shad bad.'

Approximately 140 years ago, the couple lived in the house at Shaibani Street in South Tehran. This house, called Shavarahram Izad is a very holy place for Zarathushtra. It is said this house had a decorative pond with gold and silver fish, and a holy well where a white snake would appear often to have a drink of water.

Hormaz and Lal did not have any children. They would often come to the holy well, light a divo, put loban and sandalwood on the fire, and pray to Ahura Mazda to grant them many children and a large family.

One day Hormaz fell asleep on a bench near the well and had a dream. He heard a loud echoing voice saying, 'This is a very holy place, keep it always clean, keep the fire burning and always say the prayers. This property belongs to the Zarathushtra people for worship.'

He woke up from his sleep and discussed the dream with his wife. The couple decided to move out and donate the property to the Anjuman of Tehran for the use of the Zarathushtrian community. Later, with the help of other donations, the Atash Bahram was built on that site.

## Scholarships

For a list of scholarships available to all Z students, visit the CZC web site at [www.czc.org](http://www.czc.org). Just go to the 'Education' section and click on the 'Grants & Scholarships' drop-down menu. Scholarships currently available are:

Fali chotia Charitable Trust  
FEZANA  
Harvard University  
Iranian American Scholarship Fund  
Mobed Fereidoon Zartoshti  
cZc/Maseeh Scholarships  
WZO/ERSF Scholarships

The Iranian Scholarship Foundation (ISF) provides scholarships to Iranian students in the US only. Scholarships range from \$5,000 to \$10,000 for students in need of financial help. Merit Scholarships are also awarded with a maximum amount of \$2,500. The ISF is accepting applications for the 2007-08 academic year now.

Visit [www.iranianscholarships.com](http://www.iranianscholarships.com) for more information or call 650-331-0508.

## Religious historians explore Zoroastrianism, the ancient Iranian religion at May 11 conference

According to most estimates, there are more than seven million adherents to Zoroastrianism in the world today, and yet this minority religion continues to be of great interest to historians of religion. Most experts consider the oldest Zoroastrian texts to have been composed some time between 2100 and 1700 BC. Zoroastrianism played a powerful role in the Persian empire of Cyrus, Darius and Xerxes, from 550 to 330 BC, and influenced the development of Judaism, Christianity, Islam, Manichaeism and other religions.

'Recent Research on Religion in Ancient Iran', organized by Bruce Lincoln, brought some of the world's leading experts to Swift Hall at the Divinity School, University of Chicago, on Friday, May 11. The conference featured three papers.

One of the leading translators of early Iranian religious literature, Jean Kellens, professor of Indo-Iranian languages and religions at the Collège de France, discussed his work when he presented 'Liturgy and the Dialectic of Souls'. Examining hymns from the Avesta, a collection of the oldest Zoroastrian sacred texts, Kellens focused on one of the more unique features of Zoroastrian thought - the soul. 'The soul is a very complicated entity,' said Lincoln, the Caroline E. Haskell Professor of the History of Religions in the Divinity School and the organizer of a Divinity School conference on this religion of ancient Iran. 'Zoroastrians theorize a great many spiritual components of the person, each one describing a different aspect of the self, and none precisely corresponding to the one rather simple but mysterious entity we call "the soul".'

Another scholar, Clarisse Herrenschildt of France's Centre national de la recherche scientifique, presented a paper that focused on the Zoroastrianism of Cyrus the Great and Xerxes. In her presentation, titled 'Considerations on the Inscriptions of Artaxerxes II', Herrenschildt focused on a watershed religious reform. During the reign of Artaxerxes, from 404 to 358 BC, two new gods were introduced, Mithra, a god of legal issues, and Anahita, a fertility goddess. Herrenschildt explored the context and motivation for this choice. 'Why were these new gods added?' said Lincoln. 'And what did it reflect of the politics of the time?' Lincoln also delivered a paper that focused on Zoroastrianism under the Sassanian empire (226 to 651 A.D.), which followed the Arab conquest. In 'Anomaly, Science, and Religion: Treatment of the Planets in Medieval Zoroastrianism', Lincoln, who has examined texts in the Middle Persian language Pahlavi, explored the way the Zoroastrians during that time responded to cosmological questions that stood at the border of science and religion. 'In Europe in the 16th and 17th centuries, information regarding the peculiarities of planetary motion led Copernicus, Kepler and Galileo to challenge orthodox notions regarding the nature of the cosmos,' Lincoln said. 'More than a millennium earlier, the same date stimulated heated discussion in Sassanian Iran. Instead of pitting "scientific reason" against "religious faith", however, Sassanian intellectuals adapted existing beliefs to account for this new information, thereby avoiding a crisis in regard to the very foundation of knowledge.' Lincoln's paper explored how and why this idea was possible.

Though the conference's papers are from disparate periods and have widely varying subjects, Lincoln sees a connective theme. 'We're all concerned with the way in which religious sensibilities have influenced other aspects of ancient Iran - whether it's politics, culture, psychology, astronomy or astrology.'

## Zoroastrianism in Azerbaijan

From Wikipedia, the free encyclopedia

Zoroastrianism in Azerbaijan goes back to the first millennium BC, and for at least a thousand years remained the predominant religion in Azerbaijan. The name Azerbaijan means Land of the Eternal Fire, a name that is said to have a direct link with Zoroastrianism. Today the religion, culture and traditions of Zoroastrianism remain highly respected in Azerbaijan, and Nowruz continues to be the main holiday in the country. Zoroastrianism has left a deep mark in the history of Azerbaijan. Traces of the religion are still visible in Ramana, Khinalyg, and Yanar Dag.

Zoroastrianism is one of the world's oldest surviving religions. It was founded by the prophet Zarathustra on the steppes of Central Asia. The teachings of Zarathustra are preserved in his metrical Gathas, the oldest part of the sacred scripture known as the Avesta.

## Fountain of Inspiration: Dr. Martin Luther King, Jr.

'Yes, if you want to say that I was a drum major. Say that I was a drum major for justice. Say that I was a drum major for peace. Say that I was a drum major for righteousness. And all of the other shallow things will not matter. I won't have any money to leave behind. I won't have the fine and luxurious things in life to leave behind. But I just want to leave a committed life behind. And that's all I want to say. If I can help somebody as I pass along, if I can cheer somebody with a word or song, if I can show somebody he is traveling wrong, then my living will not be in vain.'

Excerpted from 'The Drum Major Instinct', a sermon by Rev. Martin Luther King, Jr., 1968.



# Soccer (Football)

ZUFC	4
Honarmandan	3



With over 200 Zoroastrians fan in the stand at John Elway Stadium in Granada Hills, The Zoroastrians Football team played a friendly soccer match against Team- E- Honarmandan.

ZUFC is an all Zoroastrians soccer team that was founded about four month ago by friends fro, all over Southern California.

ZUFC has been practicing for the past three month with a number of friendly games in preparation for main event against Team- E- Honarmandan. The ZUFC defeated Team- E- Honarmandan by a score of 4 to 3. ZUFC goals were



Rostam Dehmoobed, Bahman Hakim, Hooshang Jamshidi, Shahin Jamshidi, Hooshang Khoramdin, Arash Khosravian, Mehrdad Mazdyasni, Shahram Mehraban, Shahbahram Mehraein, Baback Meherkhodavandi, Behrouz Meherkhodavandi, Jahangir Meherkhodavandi, Kiumars Zerehpoush and the ZUFC coached by Houshang Meherkhodavandi. The ZUFC is actively recruiting new players, if you are a resident of Southern California and are interested joining ZUFC, Please contact the team their web site at

[www.zootball.googlepages.com](http://www.zootball.googlepages.com)



scored by Shahin Jamshidi, Behrooz Meherkhodavandi and Bahman Hakim. Sattar, Andy, Saeed Mohammadi, Davood Behboodi, Randy Esfahani, Hassan Alesafar, Ali Derakhshanfar were some of the Persian Stars who showed up as a part of the Team- E- Honarmandan.

ZUFC players were Behrooz Amuyan, Fereidoon Bastanifar, Essi Boostani,



North American Zoroastrian Congress

**I M P**  **C T**  
 Unleash the **Spark** Within  
 TORONTO  
 2007